

The Sui Generis Database Protection Regime in the European Union: Lessons for Iranian Law

 Zahra Shakeri

Associate Professor, Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author)
zshakeri@ut.ac.ir

 Amir Mohammad
Ghorbania

PhD student, International Trade and Investment Law, Shahid
Beheshti University, Tehran, Iran.
amir.ghorbannia@ut.ac.ir

Received: 2026-03-17

Accepted: 2026-07-31



Abstract

In today's digital economy, databases are among the most valuable intangible assets and critical infrastructures of the digital economy. Traditionally, databases have been protected primarily under copyright law, provided that the selection or arrangement of their contents meets the requisite standard of originality and creativity. Nevertheless, a considerable number of databases are not the result of intellectual creativity in the conventional sense but instead derive from substantial financial, technical, and organizational investment in the collection, verification, and systematic arrangement of data. To address this gap in legal protection, the European Union introduced the sui generis system through Directive 96/9/EC, establishing a distinct legal framework based on the criterion of "substantial investment" rather than the requirement of creativity.

Journal of Research and Development
in Technology Law and Intellectual
Property

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring & Summer 2026

(Original Article)

www.jtllip.illrc.ac.ir

doi:

10.22034/jtllip.2026.738235

Over the past two decades, this distinctive legal regime has played a significant role in promoting investment in data-driven industries and has continued to evolve in response to emerging technological developments and changes in the digital environment. In Iran, although certain legislative provisions make general reference to databases, there is still no distinct and coherent legal regime specifically protecting databases or the investments made in their creation. Employing a descriptive-analytical approach based on library research, this study comparatively examines the foundations and practical functions of the European Union's sui generis protection regime and the current legal framework in Iran. The findings demonstrate that the European model has achieved a relative balance between the legitimate interests of investors and the public interest, despite continuing challenges concerning the precise boundaries between freely accessible and protected data. By contrast, the absence of a specialized legal framework in Iran has resulted in insufficient and fragmented protection for databases. Therefore, appropriately adapting the European experience to the Iranian legal context could significantly strengthen Iran's legal framework for database protection and bring it into closer alignment with internationally recognized standards.

Keywords: Database, Sui Generis Protection, Copyright, Data Rights.



نظام خاص حمایت از پایگاه‌های داده در اتحادیه اروپا؛ آموزه‌هایی برای حقوق ایران

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

زهرا شاکری 

zshakeri@ut.ac.ir

دانشجوی مقطع دکتری، رشته حقوق تجارت و سرمایه گذاری بین
المللی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

امیرمحمد قربان نیا 

amir.ghorbannia@ut.ac.ir



تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۶

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق فناوری
و مالکیت فکری

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۵

(مقاله پژوهشی)

www.jtlip.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jtlip.2026.738235

چکیده

پایگاه داده در عصر کنونی، یکی از مهم‌ترین دارایی‌های غیر ملموس و زیرساخت‌های حیاتی اقتصاد دیجیتال به شمار می‌آید. از این رو، ایجاد نظامی کارآمد برای حمایت از آن ضرورتی انکارناپذیر است. در نظام‌های حقوقی سنتی، حمایت از پایگاه داده عمدتاً بر مبنای حق مؤلف صورت می‌گرفت؛ مشروط بر آن که نحوه چینش و سازماندهی پایگاه داده از اصالت و خلاقیت کافی برخوردار باشد. با این حال، بسیاری از پایگاه‌های داده حاصل خلاقیت ذهنی نیستند، بلکه صرفاً نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری مادی و سازمان‌دهی فنی در گردآوری داده‌ها هستند. برای پر کردن این خلأ، اتحادیه اروپا در رهنمود اروپایی حمایت حقوقی از پایگاه‌های داده مصوب ۱۹۹۶ نظامی نو تحت عنوان sui generis ایجاد کرد که به جای اصالت، معیار سرمایه‌گذاری قابل توجه را مبنای حمایت قرار داد. این نظام، با هدف تشویق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های داده‌محور، در دو دهه‌ی اخیر نقش مؤثری در توسعه‌ی صنعت داده داشته و با تحولات جدید فناوری نیز در حال بازنگری و تکامل است.

در ایران هرچند برخی مقررات از پایگاه داده به طور کلی نام برده‌اند، اما هنوز نظامی مستقل و مشخص برای حمایت از این نوع آثار یا سرمایه‌گذاری‌ها وجود ندارد. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه‌ی منابع کتابخانه‌ای، به بررسی مبانی و کارکردهای نظام خاص حمایتی در اتحادیه اروپا و وضعیت حقوقی ایران می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که نظام خاص اروپایی توانسته است تا حدی تعادل میان حقوق سرمایه‌گذاران و منافع عمومی را برقرار سازد؛ هرچند در عمل با چالش‌هایی چون تعیین مرز میان داده‌ی آزاد و داده‌ی محافظت‌شده مواجه است. در مقابل، فقدان چنین سازوکار مشخصی در ایران سبب شده است حمایت از پایگاه داده‌ها ناکافی و پراکنده باشد. از این رو، الگوگیری از تجربه‌ی اتحادیه‌ی اروپا، با اصلاحات متناسب با ساختار حقوق داخلی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای نظام حمایت از پایگاه‌های داده در ایران و هم‌سویی با استانداردهای جهانی باشد.

کلیدواژه‌ها: پایگاه داده، نظام خاص حمایتی، حق مؤلف، حقوق داده.

مقدمه

تحولات عمیق در فناوری اطلاعات و افزایش حجم داده‌های دیجیتال، ساختار بسیاری از نظام‌های حقوقی را دگرگون کرده است. داده‌هایی که در گذشته ابزار فرعی تحلیل و پردازش تلقی می‌شدند، امروز به دارایی‌هایی با ارزش اقتصادی قابل مبادله تبدیل شده‌اند (قربان نیا و شاکری، ۱۴۰۲: ۷۲). در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام‌های حقوقی، تعیین نحوه‌ی حمایت از پایگاه‌های داده است؛ پدیده‌هایی که با وجود تلاش فکری در تعیین نحوه‌ی جای‌گذاری و چینش داده‌ها، نه لزوماً واجد خلاقیت فردی می‌باشند و نه می‌توان آن‌ها را با معیارهای سنتی آثار فکری سنجید. در نتیجه، حقوق اتحادیه‌ی اروپا سازوکاری مستقل تحت عنوان نظام خاص حمایتی یا sui generis را برای حمایت از پایگاه‌های داده معرفی کرد؛ سازوکاری که پاسخی عملی به نیازهای بازار داده‌ها بود.

ویژگی بنیادین نظام خاص آن است که به جای اصالت، که معیار محوری حق مؤلف است، بر سرمایه‌گذاری قابل توجه در گردآوری، اعتبارسنجی یا ارائه داده‌ها تکیه می‌کند. این جایگزینی معیار پیامدی مهم دارد: پدیدآورنده‌ای که سال‌ها منابع مالی، انسانی و فنی خود را صرف ساختن یک پایگاه داده‌ی جامع کرده، صرف نظر از اینکه آیا خلاقیت خاصی در چینش داده‌ها اعمال کرده یا نه، از حمایت برخوردار می‌شود. این استدلال بنیادین نظام خاص اروپایی است که اگر پایگاه حاصل سرمایه‌گذاری، بدون حمایت قانونی و بدون آنکه توجیه اقتصادی داشته باشد، به تصاحب رقیبان درآید، انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری از بین می‌رود. با این حال، این استدلال یک‌سویه نیست؛ منتقدان به‌درستی یادآور می‌شوند که اگر هر پایگاه داده‌ای، به صرف هزینه‌ی ایجادش، مشمول انحصار شود، جریان آزاد اطلاعات مختل می‌شود. پرسش اصلی این پژوهش دقیقاً در همین تنش نهفته است؛ چه ساختاری می‌تواند هم انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری را حفظ کند و هم دسترسی به داده را تضمین نماید؟ پاسخ اروپایی، نظام دوگانه‌ی حق مؤلف و حق خاص با استثنای صریح، آموزه‌هایی برای ایران دارد که در این پژوهش واکاوی می‌شود.

در مقابل، نظام حقوقی ایران هنوز فاقد چارچوبی مستقل و منقح برای حمایت از پایگاه‌های داده است. هرچند در برخی مقررات مانند قانون تجارت الکترونیکی

اشاره‌هایی به داده یا پایگاه داده دیده می‌شود، اما هیچ‌یک نظام حمایتی ویژه‌ای مشابه اتحادیه اروپا را ارائه نمی‌کنند. بدین ترتیب، حمایت‌ها در ایران پراکنده، تلویحی و عمدتاً فاقد معیارهای روشن درباره خلاقیت، اصالت یا میزان سرمایه‌گذاری‌اند؛ وضعیتی که باعث کاهش امنیت حقوقی و تضعیف پشتوانه اقتصادی تولیدکنندگان پایگاه‌های داده می‌شود.

با توجه به نقش روزافزون داده‌ها در حوزه‌هایی نظیر تجارت الکترونیک، تحقیقات علمی، نظام‌های مالی و خدمات عمومی، ضرورت تدوین یک نظام حمایتی مستقل بیش از هر زمان احساس می‌شود. تجربه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در رهنمود سال ۱۹۹۶^۱ و تحولات اخیر در سیاست‌های داده‌محور، مانند قانون داده ۲۰۲۳^۲، نشان می‌دهد که می‌توان میان آزادی گردش داده و حمایت از سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان توازن ایجاد کرد (Synodinou, 2023: 2-3). از این منظر، مقایسه‌ی تطبیقی میان اتحادیه‌ی اروپا و ایران می‌تواند مسیر اصلاح قوانین داخلی را روشن‌تر سازد.

بر این اساس، مسئله‌ی اصلی مقاله چنین طرح می‌شود: نظام خاص حمایتی از پایگاه‌های داده در اتحادیه اروپا چه مبانی و ویژگی‌هایی دارد و تا چه حد می‌تواند الگوی مناسبی برای طراحی نظام مشابهی در ایران باشد؟ در کنار این پرسش، موضوعات فرعی دیگری نیز مطرح می‌گردند؛ از جمله: تفاوت‌های ساختاری میان نظام خاص حمایتی و حمایت ناشی از حق مؤلف چیست؟ اتحادیه‌ی اروپا چه معیارهایی را برای احراز شرایط نظام خاص حمایتی تعیین کرده است؟^۳

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای، به بررسی تطبیقی نظام اتحادیه اروپا و حقوق ایران به شیوه‌ی مزجی می‌پردازد. در بخش نخست، ماهیت پایگاه داده و گونه‌های مختلف حمایت از آن تشریح می‌شود. بخش دوم به مبانی و

^۱ Directive 96/9/EC of the European Parliament and of the Council of 11 March 1996 on the legal protection of databases.

^۲ EU Data Act 2023

^۳ لازم به ذکر است که در این مقاله، وقتی از پایگاه داده سخن گفته می‌شود، منظور صرفاً پایگاه داده‌های الکترونیکی است که شامل مجموعه‌ای از داده‌های ساخت‌یافته و قابل پردازش توسط رایانه می‌باشند و سایر اشکال سنتی یا فیزیکی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها را در بر نمی‌گیرد.

معیارهای نظام خاص، از جمله شرط سرمایه‌گذاری قابل توجه، دامنه و مدت حمایت و استثنائات آن اختصاص دارد؛ در پایان نیز مبتنی بر یافته‌های تطبیقی، پیشنهادهایی برای تقویت چارچوب حقوقی داخلی ارائه خواهد شد.

در ادبیات پیشین^۱، برخی پژوهش‌ها به‌طور مختصر به نظام خاص حمایتی پرداخته‌اند؛ اما تا کنون بررسی جامع و نظام‌مند درباره ابعاد مختلف این حمایت، معیارهای آن، از جمله تعریف دقیق سرمایه‌گذاری، و تحلیل رویه‌ی قضایی مرتبط صورت نگرفته است. همین خلأ ضرورت انجام پژوهش حاضر را تقویت می‌کند.

۱. مفهوم و ماهیت پایگاه داده

نخستین گام در بررسی نظامات مختلف حمایتی از پایگاه داده، آشنایی اجمالی با مفهوم و ویژگی‌های آن است. از این رو در بخش اول، مسائل مقدماتی نظیر تعریف و جایگاه پایگاه داده در نظام حقوق مالکیت فکری به طور خلاصه بررسی می‌شود.

۱/۱. تعریف پایگاه داده

پایگاه داده^۲ زمانی شکل می‌گیرد که مجموعه‌ای از داده‌ها بر اساس طرحی هدفمند و ساختاریافته گردآوری و در محیطی قابل کنترل ذخیره شود؛ محیطی که امکان جست‌وجو، بازیابی، اصلاح و مدیریت کارآمد اطلاعات را فراهم می‌سازد. این کارکردها معمولاً به کمک سامانه‌های مدیریت پایگاه داده^۳ تحقق می‌یابد؛ سامانه‌هایی که پردازش داده‌های گسترده را تسهیل کرده، از یکپارچگی اطلاعات محافظت می‌کنند و با ایجاد سطوح مختلف دسترسی، مانع دسترسی غیرمجاز می‌شوند (Elmasri & Navathe, 2015: 4-29).

^۱ به عنوان نمونه: عسگری، حسین، (۱۳۹۴)، نظام حقوقی حمایت از پایگاه‌های اطلاعاتی (اصیل یا غیر اصیل بودن پایگاه‌های داده) و رجبی، عبدالله، (۱۴۰۲)، مطالعه تطبیقی حمایت حقوق مالکیت فکری از پایگاه داده، حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی. منابع بیشتر در متن مورد ارجاع قرار گرفته‌اند.

^۲ Database

^۳ Database management system

در اسناد بین‌المللی نیز تعریف پایگاه داده با همین رویکرد ارائه شده است. بند ۲ ماده ۱۰ موافقت‌نامه تریپس^۱، پایگاه داده را مجموعه‌ای تلفیقی از اطلاعات یا عناصر دیگر می‌داند، صرف‌نظر از شکل و قالب آن‌ها، که در صورت برخورداری از انتخاب یا ترتیب خلاقانه، تحت حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار می‌گیرد. برخی نویسندگان نیز تعاریف ساده‌تری بیان کرده‌اند؛ از جمله آنکه پایگاه داده، مجموعه‌ای از اطلاعات ذخیره‌شده و قابل دسترس به وسیله ابزارهای الکترونیکی است (زرکلام و محوری، ۱۳۹۴: ۱۴). یا هر مجموعه‌ای که عناصر آن برای هدفی مشخص و به شکلی منظم گردآوری شده باشد (صادقی نشاط، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

در همین راستا، مطابق بند ۲ ماده ۱ رهنمود اروپایی حمایت حقوقی از پایگاه‌های داده مصوب ۱۹۹۶، پایگاه داده، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از آثار یا سایر عناصر مستقل است که به طور نظام‌مند و روشمند ارائه شده و اجزای آن با ابزارهای الکترونیکی یا به طرق دیگر قابل دسترسی‌اند. این تعریف نشان می‌دهد که حمایت از پایگاه داده محدود به قالب الکترونیکی نیست و بر اساس شکل و فرم سازمان‌یافته آن اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، تمرکز بر ساختار و چینش داده‌ها است، نه بر الکترونیکی یا فیزیکی بودن آن‌ها (Derclaye, 2008: 26).

کنوانسیون برن^۲ نیز در ماده ۲، پایگاه داده را مجموعه‌ای از آثار ادبی و هنری معرفی می‌کند که به دلیل انتخاب و ترتیب محتوا^۳، آفرینش فکری محسوب می‌شوند. رهنمود ۱۹۹۶ پارلمان و شورای اروپا اما در ماده ۱ خود تعریفی گسترده‌تر ارائه کرده است و پایگاه داده را مجموعه‌ای نظام‌مند از آثار، داده‌های مستقل یا سایر مواد می‌داند که به صورت روشمند مرتب شده و با وسایل الکترونیکی یا غیرالکترونیکی قابل دسترسی می‌باشند. ذکر شرط قابلیت دسترسی مستقل در این تعریف، برای آن است که آثاری مانند آثار سمعی بصری، موسیقایی یا سینماتوگرافیک از شمول آن خارج شوند (US Patent and Trademark

^۱ World Trade Organization, (1994), Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS), art 10(2).

^۲ Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works, 1886.

^۳ Selection & Arrangement

(Office, 1998). البته یکی از نقدهای رایج نسبت به این تعاریف، گستردگی بیش از حد آنها است؛ زیرا پیشرفت فناوری ممکن است سبب شود هر اثر دیجیتالی در ظاهر یک پایگاه داده تلقی شود. از همین رو تأکید می‌شود که هدف پایگاه داده باید ایجاد منبع اطلاعاتی قابل استفاده باشد، نه نقل روایت یا ارائه پیام؛ به همین دلیل آثاری مانند فیلم یا موسیقی حتی اگر به صورت الکترونیکی ارائه شوند، پایگاه داده محسوب نمی‌شوند (صادقی و طهماسبی، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

در حقوق ایران، پیش‌نویس لایحه حمایت از سازندگان پایگاه داده مصوب ۱۳۸۰، در عین فقدان شان قانونی، یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها در این زمینه است. این پیش‌نویس که الهام‌گرفته از رهنمود ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا بود، در ماده ۳ پایگاه داده را مجموعه‌ای از مطالب مستقل، داده یا اطلاعاتی معرفی می‌نمود که به طور منظم یا روشمند ترتیب یافته و توسط ابزارهای الکترونیکی یا هر واسط دیگر قابل دستیابی است.

پیش‌نویس لایحه‌ی جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی هنری در سال ۱۳۹۰ در بند ۲۳ ماده ۱ نیز کوشید تا تعریف روشن‌تری از پایگاه داده ارائه کند و آن را مجموعه‌ای از اطلاعات سازمان‌یافته و قابل جست‌وجو دانست. این تعریف از حیث نظری حائز اهمیت بود؛ اما این سند هیچ‌گاه به سرانجام نرسید و به طور کلی از دستور کار خارج شده است.

۲/۱. جایگاه پایگاه داده در نظام مالکیت فکری

اهمیت تعریف دقیق پایگاه داده زمانی آشکار می‌شود که جایگاه آن در نظام‌های مالکیت فکری بررسی گردد. مالکیت فکری به دو شاخه‌ی عمده‌ی مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تقسیم می‌شود. با توجه به موضوعات مالکیت صنعتی، همچون اختراع یا علامت تجاری، پایگاه داده در این دسته قرار نمی‌گیرد (عسگری، ۱۳۹۴: ۳). در مقابل، بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان، اسپانیا و ایتالیا آن را در زمره‌ی آثار ادبی و هنری و تحت شمول مقررات حق مؤلف قرار داده‌اند. برای نمونه، در ایالات متحده مطابق ماده ۱۰۱ قانون کپی رایت ۱۹۷۶، پایگاه داده ذیل مفهوم

«مجموعه»^۱ مورد حمایت است. حقوق ایران نیز در بند ۱۲ ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، آثار ترکیبی را از آثار ادبی حمایتی دانسته و از آنجا که پایگاه داده مجموعه‌ای از مواد پیش‌ساخته است که با ترتیبی نوآورانه سازمان می‌یابند، برخی نویسندگان آن را مشمول همین حمایت دانسته‌اند (همان: ۳). افزون بر این، قانون‌گذار ایرانی در ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ با تصریح به شمول حمایت‌های مالکیت فکری نسبت به آثار موجود در قالب «داده‌پیام»، به‌طور مشخص از پایگاه‌های داده در کنار نرم‌افزارها و سایر آثار فکری نام برده است. این رویکرد در ماده ۲۳ پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از سازندگان پایگاه‌های داده نیز آشکارتر مشاهده می‌شود. مطابق این ماده، حمایت حق تألیف از پایگاه‌های داده به نام صاحبان حق، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، به‌عنوان یک اثر ادبی هنری شناسایی شده است. چنین حکمی بیانگر آن است که گرایش تقنینی در حقوق ایران نیز همسو با نظام‌های حقوقی پیشرو، بر قرار دادن پایگاه داده در قلمرو حقوق مؤلف استوار بوده است.

۲. حمایت از پایگاه داده بر اساس حق مؤلف

همانطور که بیان شد، نخستین و رایج‌ترین شیوه حمایت حقوقی از پایگاه‌های داده، قرار دادن آن‌ها در قلمرو حق مؤلف است. در این رویکرد، حمایت نه به دلیل محتوای اطلاعات موجود در پایگاه داده، بلکه به سبب ابتکار و خلاقیت به‌کاررفته در انتخاب، چینش و سازمان‌دهی داده‌ها اعطا می‌شود.

۲/۱. معیار اصالت و شرایط حمایت

آنچه پایگاه داده را از یک فایل اطلاعاتی ساده متمایز می‌کند، نه محتوای آن، بلکه ساختار، شیوه سازمان‌دهی و نحوه آرایش اطلاعات در آن است. این نکته، مبنای اصلی و کلید فهم منطق حمایت حق مؤلف از پایگاه‌های داده به شمار می‌رود. در واقع، حق مؤلف از آفرینش فکری و تجلی خلاقیت ذهنی حمایت می‌کند و هدف آن حمایت از صرف کار، تلاش یا هزینه‌های مالی صرف‌شده نیست (Davison, 2003: 12). بر همین اساس و به

^۱ Compilation

عنوان مثال، معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری نیز تأکید می‌کند که شرط اصالت در پایگاه‌های داده ناظر به نحوه انتخاب، تنظیم و سامان‌دهی داده‌ها است، نه خود داده‌ها. از این رو، مجموعه‌هایی که صرفاً بر مبنای الگوهای کاملاً مکانیکی و فاقد خلاقیت، مانند ترتیب الفبایی، عددی یا زمانی سازمان یافته‌اند، معمولاً واجد معیار اصالت لازم برای برخورداری از حمایت حق مؤلف شناخته نمی‌شوند (رجبی، ۱۴۰۲: ۸۴).

برای مثال، اگر شخصی اسامی تمامی شهرهای ایران را صرفاً بر اساس ترتیب الفبایی فهرست کند، نمی‌توان از وجود ابتکار یا خلاقیت در این اقدام سخن گفت؛ زیرا نظم الفبایی خود یک قاعده منطقی و از پیش تعیین شده است و محصول انتخاب شخصی پدیدآورنده محسوب نمی‌شود. در مقابل، اگر همان شخص از میان شهرهای کشور، پنجاه شهر را بر اساس معیارهایی همچون جذابیت برای گردشگران تجاری انتخاب کرده و سپس آن‌ها را با اطلاعات اختصاصی و تحلیل‌های تکمیلی ترکیب کند، نتیجه حاصل از چنین گزینش و سازمان‌دهی‌ای می‌تواند واجد عنصر ابتکار و خلاقیت تلقی شود (زرکلام، ۱۳۸۴: ۵۳).

به بیان دیگر، هرگاه نظم‌بخشی، گزینش و طبقه‌بندی داده‌ها حاصل تصمیم‌گیری‌های آزادانه و انتخاب‌های فکری پدیدآورنده باشد، حتی در مواردی که داده‌های خام و منفرد به خودی خود قابل حمایت نباشند، ساختار ایجادشده می‌تواند ارزش حمایتی پیدا کند.

این رویکرد در سطح قانون‌گذاری اروپایی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. رهنمود ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا درباره حمایت حقوقی از پایگاه‌های داده، در ماده ۳ مقرر می‌دارد که پایگاه داده زمانی از حمایت حق مؤلف برخوردار خواهد بود که گزینش یا ترتیب محتویات آن حاصل آفرینش فکری و دارای اصالت باشد. هرچند این فرمول در نگاه نخست ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل با چالش‌های تفسیری مهمی همراه است. از یک سو، اگر معیار اصالت بسیار سخت‌گیرانه تفسیر شود، بخش بزرگی از پایگاه‌های داده که با هدف جامعیت و پوشش کامل اطلاعات طراحی شده‌اند، از حمایت محروم خواهند شد؛ زیرا در آن‌ها عنصر گزینش نقش محدودی دارد. از سوی دیگر، اگر این معیار بیش از حد تسهیل شود،

تقریباً هر فهرست اطلاعاتی می‌تواند مشمول حق انحصاری گردد و این امر دسترسی آزاد به اطلاعات را با محدودیت‌های گسترده مواجه خواهد ساخت.

به همین دلیل، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا تلاش کرده است میان این دو رویکرد تعادل برقرار کند. نقطه عطف این موضوع را می‌توان در پرونده مشهوری مشاهده کرد که رأی آن در سال ۲۰۰۹ صادر شد.^۱ دیوان در این پرونده اعلام کرد که معیار اصالت در حقوق مؤلف اتحادیه اروپا آن است که اثر، آفرینش فکری شخصی پدیدآورنده^۲ باشد. این معیار که ابتدا در این پرونده تبیین شد، بعدها به یکی از اصول بنیادین و فراگیر حقوق مؤلف اروپایی تبدیل گردید و در ارزیابی اصالت پایگاه‌های داده نیز مورد استناد قرار گرفت (Connor, 2011: 247-250).

در سطح بین‌المللی نیز همین رویکرد مشاهده می‌شود. کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری و همچنین موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری از پایگاه‌های داده‌ای که حاصل‌گزینش یا تنظیم خلافاً به اطلاعات هستند حمایت می‌کنند. با این حال، این اسناد معیار دقیق و مشخصی برای سنجش میزان خلاقیت ارائه نکرده‌اند و همین امر موجب شده است که کشورهای مختلف در تفسیر مفهوم اصالت و تعیین حدود حمایت از پایگاه‌های داده رویه‌های متفاوتی اتخاذ کنند (حبیبی و نبوی، ۱۴۰۳: ۲۶۴). در نتیجه، پایگاه‌های داده‌ای که صرفاً مجموعه‌ای جامع، کامل و غیرگزینشی از اطلاعات را در اختیار کاربران قرار می‌دهند، غالباً فاقد عنصر انتخاب و ابتکار تلقی شده و از حمایت محدودتری برخوردار می‌شوند. افزون بر این، حتی در مواردی که پایگاه داده واجد شرایط حمایت باشد، حمایت مزبور صرفاً متوجه ساختار، چینش و سازمان‌دهی مجموعه است و داده‌ها یا اطلاعات منفرد موجود در آن همچنان خارج از قلمرو حمایت باقی می‌مانند (Europe, n,d).

در حقوق تطبیقی نیز رویکرد نظام‌های مختلف نسبت به این موضوع کاملاً یکسان نیست. در ایالات متحده آمریکا، نقطه عطف این بحث رأی مشهور دیوان عالی در پرونده

^۱ Infopaq International A/S v. Danske Dagblades Forening 2009.

^۲ the author's own intellectual creation

پرونده‌ی فیست علیه رورال^۱ است. موضوع پرونده به فهرست تلفن مشترکان شرکت رورال مربوط می‌شد که به صورت کاملاً الفبایی تنظیم شده بود و شرکت فیست بخشی از اطلاعات آن را در دایرکتوری تلفن خود مورد استفاده قرار داده بود. دیوان عالی آمریکا در این پرونده تصریح کرد که صرف هزینه، زمان و تلاش برای گردآوری اطلاعات نمی‌تواند مبنای ایجاد حق مؤلف باشد و از آنجا که ترتیب الفبایی فهرست تلفن فاقد هرگونه خلاقیت و ابتکار بود، این مجموعه واجد حمایت حق مؤلف شناخته نشد. اهمیت این رأی در آن است که به طور رسمی به نظریه زحمت^۲ در حقوق آمریکا پایان داد؛ نظریه‌ای که بر اساس آن صرف کار و سرمایه‌گذاری می‌توانست مبنای حمایت حقوقی تلقی شود (Margoni & Perry, 2023: 10) (قربان نیا، ۱۴۰۳: ۸۰).

نتیجه عملی این تحلیل آن است که حق مؤلف به‌تنهایی نمی‌تواند ابزار حمایتی کافی و کارآمدی برای تمامی انواع پایگاه‌های داده باشد؛ زیرا اتفاقاً پایگاه‌های داده‌ای که از لحاظ اقتصادی ارزش بیشتری دارند و نقش مهم‌تری در گردش اطلاعات ایفا می‌کنند، غالباً همان پایگاه‌های جامعی هستند که کمترین میزان گزینش و ابتکار را در خود دارند و بنابراین از منظر حق مؤلف در ضعیف‌ترین موقعیت حمایتی قرار می‌گیرند. این وضعیت یک تناقض بنیادین ایجاد می‌کند؛ زیرا ارزش اقتصادی یک پایگاه داده لزوماً با میزان اصالت آن رابطه مستقیم ندارد. افزون بر این، بخش قابل توجهی از پایگاه‌های داده امروزی بر اساس الزامات فنی، استانداردهای عملیاتی و نیازهای کاربردی طراحی می‌شوند و در بسیاری از آن‌ها فضای محدودی برای اعمال انتخاب‌های خلاقانه وجود دارد. هدف اصلی این پایگاه‌ها ارائه مجموعه‌ای کامل، دقیق و کاربردی از اطلاعات است، نه خلق یک اثر ادبی یا هنری اصیل. همین خلأ حمایتی سبب شد که در برخی نظام‌های حقوقی، به‌ویژه اتحادیه اروپا، در کنار نظام سنتی حق مؤلف، سازوکار مستقلی برای حمایت از پایگاه‌های داده ایجاد شود؛ سازوکاری که به طور خاص بر حمایت از سرمایه‌گذاری و تلاش‌های

^۱ Feist Publications, Inc. v. Rural Telephone Service Co., Inc., 499 U.S. 340.

^۲ Sweat of the Brow Doctrine

اقتصادی انجام شده در ایجاد پایگاه داده تمرکز دارد و در بخش بعد به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

البته در قیاس با نظام‌های فوق، حقوق ایران در وضعیتی بینابینی قرار گرفته است؛ به این معنا که نه دارای رویه قضایی روشنی مشابه رأی فیست در خصوص معیار اصالت است و نه نظام حمایتی مستقلی مشابه اتحادیه اروپا برای حمایت از سرمایه‌گذاری در پایگاه‌های داده ایجاد کرده است. این وضعیت موجب شده است که نه تولیدکنندگان پایگاه‌های داده از حدود حمایت حقوقی خود اطمینان کافی داشته باشند و نه کاربران بتوانند با قطعیت حدود استفاده مجاز از این پایگاه‌ها را تشخیص دهند.

۲/۲. وضعیت حقوق ایران در حمایت مبتنی بر حق مؤلف

در حقوق ایران، اگرچه تاکنون قانون مستقلی در خصوص حمایت از پایگاه‌های داده به تصویب نرسیده است، اما مهم‌ترین تلاش تقنینی در این زمینه را می‌توان در پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از سازندگان پایگاه‌های داده مشاهده کرد. هرچند این سند واجد الزام قانونی نیست، اما از آن جهت که بیانگر جهت‌گیری و اراده تقنینی قانون‌گذار ایرانی در مواجهه با مسئله حمایت از پایگاه‌های داده است، از اهمیت تفسیری و تحلیلی قابل توجهی برخوردار است. بررسی مقررات این پیش‌نویس نشان می‌دهد که رویکرد اصلی آن در گام نخست، شناسایی پایگاه داده به عنوان موضوعی قابل حمایت در چارچوب حق مؤلف است. در همین راستا، ماده ۱۹ پیش‌نویس، تجمع و آرایش فکری و اصیل محتویات پایگاه داده را موضوع حمایت حق تألیف قرار داده است. این حکم به روشنی نشان می‌دهد که مبنای حمایت، نه خود داده‌ها و اطلاعات موجود در پایگاه، بلکه خلاقیت نهفته در انتخاب، سازمان‌دهی، دسته‌بندی و نحوه ارائه آن‌ها است. همین منطق در مواد ۲۰ تا ۲۲ نیز دنبال شده است. همچنین مقرر شده است که ورود داده‌ها به پایگاه باید با رعایت حقوق دارندگان آن داده‌ها صورت گیرد و اعطای حق تألیف به سازنده پایگاه نباید به حقوق اشخاصی که نسبت به محتوای موجود در پایگاه دارای حق هستند لطمه وارد کند. این تفکیک از آن جهت اهمیت دارد که مانع از ایجاد انحصار مضاعف بر اطلاعات شده و از

تعارض میان حقوق سازنده پایگاه داده و حقوق صاحبان داده‌های موجود در آن جلوگیری می‌کند. در ادامه همین رویکرد، ماده ۲۳ پیش‌نویس نیز حمایت از پایگاه‌های داده را به عنوان اثر ادبی هنری شناسایی کرده و حمایت حق تألیف را برای صاحبان حق، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، پیش‌بینی نموده است.

از سوی دیگر، پیش‌نویس مزبور تلاش کرده است چارچوب نسبتاً جامعی برای حقوق و مالکیت ناشی از پایگاه داده نیز ارائه دهد. مطابق ماده ۱۲، سازنده پایگاه داده از حقوق انحصاری گسترده‌ای از جمله حق تکثیر موقت یا دائم، حق ترجمه، تطبیق و تغییر پایگاه داده، حق توزیع عمومی، حق نمایش و ارتباط عمومی و همچنین بهره‌برداری از آثار مشتق برخوردار است؛ حقوقی که از حیث دامنه، شباهت زیادی به حقوق مالی شناخته‌شده در نظام حق مؤلف دارند. افزون بر این، مواد ۱۳ تا ۱۸ به تعیین وضعیت مالکیت در پایگاه‌های داده مشترک، مرکب و جمعی اختصاص یافته‌اند.^۱ در زمینه مدت حمایت نیز مواد ۲۴ تا ۲۹ از الگوی سنتی حقوق مؤلف پیروی کرده‌اند و حمایت را اصولاً تا پنجاه سال پس از فوت پدیدآورنده یا آخرین پدیدآورنده مشترک ادامه می‌دهند. در مورد آثار جمعی نیز مدت حمایت پنجاه سال از تاریخ ایجاد اثر تعیین شده است. نکته قابل توجه آن است که پیش‌نویس میان تغییرات اساسی و غیراساسی در پایگاه داده تفکیک قائل شده است؛ به موجب ماده ۲۸، هرگاه تغییرات انجام‌شده در تجمع و آرایش محتوا به اندازه‌ای بنیادین باشد که عملاً پایگاه داده جدیدی ایجاد کند، آن پایگاه می‌تواند از دوره حمایتی مستقلی برخوردار شود، اما مطابق ماده ۲۹ تغییرات جزئی و غیرمؤثر چنین اثری نخواهد داشت.

^۱ انواع دارایی‌های دیجیتال از جمله پایگاه داده، از ماهیتی دوجوهی برخوردارند و دربردارنده ویژگی‌های مربوط به مالکیت بر اموال و نیز حقوق مالکیت فکری هستند. همچنین، تجربه نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که نه پذیرش بی‌قیدوشرط مالکیت بر این دارایی‌ها و نه نفی کامل آن، هیچ‌یک پاسخگوی اقتضائات این حوزه نبوده است. از این رو، کارآمدترین رویکرد تقنینی بر شناسایی حقوق مالکانه نسبت به دارایی‌های دیجیتال، همراه با پیش‌بینی محدودیت‌ها، استثنائات و ملاحظات مبتنی بر منافع عمومی استوار است. برای مطالعه بیشتر: صادقی، محسن و ملک زاده قلعه، امیر، (۱۴۰۵)، بازاندیشی مبانی مالکیت خصوصی در بستر دارایی‌های دیجیتال، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، ۳(۵)، ۲۸۰-۳۲۵.

فارغ از این سند، بررسی وضعیت حمایت از پایگاه‌های داده در حقوق موضوعه ایران نشان می‌دهد که چارچوب موجود هر چند به طور مستقیم و صریح به این مفهوم نپرداخته است، اما ظرفیت‌هایی برای حمایت، ولو به صورت تفسیری و پراکنده، در قوانین مختلف دیده می‌شود. نقطه‌ی شروع این تحلیل، قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان است؛ قانونی که در ماده ۱، هر اثر فکری متکی بر دانش، هنر یا ابتکار را مشمول حمایت قرار داده است و در بند ۱۲ ماده ۲ نیز از آثاری سخن گفته است که به صورت ابتکاری از ترکیب چند اثر مشمول حمایت پدید آمده‌اند. اگرچه قانون‌گذار در این بند تنها به ترکیب آثار مندرج در همان فصل اشاره کرده است، اما شاید بتوان با تفسیر موسع، مجموعه‌هایی مانند پایگاه داده را نیز، در صورتی که ساختار آنها حاصل سازمان‌دهی خلاقانه باشد، در دایره‌ی این حمایت گنجانند. با این حال، چنین استنباطی کاملاً بدیهی یا بی‌تردید نیست؛ زیرا قانون مزبور نه تعریف مشخصی از سازمان‌دهی اطلاعات ارائه کرده است و نه معیار روشنی برای تشخیص ابتکار در چنین داده‌ها بیان کرده است. ضمن اینکه این قانون یک قانون کیفری است و تاب تفسیر موسع ندارد. افزون بر آن، شرط مندرج در ماده ۲۲ مبنی بر نخستین انتشار در ایران، دامنه‌ی حمایت را به طور جدی محدود می‌کند و با ماهیت ذاتاً جهانی و برون‌مرزی پایگاه‌های داده سازگاری چندانی نخواهد داشت (عسگری، ۱۳۹۴: ۹).

قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز گوشه‌ی دیگری از این پازل را تشکیل می‌دهد. در بخش دوم ماده ۱ این قانون، شیوه‌ی ارائه و تنظیم داده‌ها در محیط پردازش رایانه‌ای در حکم نرم‌افزار دانسته شده است. این حکم را می‌توان سنگ بنایی برای حمایت از پایگاه‌های داده تلقی کرد؛ زیرا بسیاری از پایگاه‌ها مبتنی بر ساختاری هستند که امکان پردازش ماشینی را فراهم می‌کنند. با وجود این، باید یادآور شد که این قانون اساساً برای نرم‌افزار نوشته شده است و تمرکز اصلی آن بر تراوش فکری برنامه‌نویس است، نه بر سرمایه‌گذاری اقتصادی و سازمانی در گردآوری داده‌ها. از این رو، تعمیم مفاد آن به پایگاه‌های داده با دشواری‌های مفهومی مواجه است و نمی‌تواند به تنهایی تمام ابعاد

حمایتی لازم را پوشش دهد (رجبی، ۱۴۰۲: ۹۳-۹۴). ضمن اینکه ماهیت این قانون نیز کیفری است و لذا قابل تفسیر موسع نمی‌باشد.

نقطه‌ی ثقل حمایت ضمنی از پایگاه داده در حقوق ایران را باید در ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی یافت. این ماده، آثار مشمول قانون مؤلفان و قانون تکثیر و همچنین نرم‌افزارهای رایانه‌ای را در قالب داده‌پیام نیز تحت حمایت قرار می‌دهد و در ادامه از پایگاه‌های داده، ابزارهای رایانه‌ای، برنامه‌ها و حتی حقوق مالکیت صنعتی نام می‌برد. این هم‌نشینی گسترده‌ی مفاهیم نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی از وجود نهاد پایگاه داده آگاه بوده و قصد داشته است آن را در میان مجموعه‌ای از حمایت‌های فکری و صنعتی قرار دهد. با این حال، این ماده نیز فاقد یک نظام حمایتی مشخص برای پایگاه داده است و معلوم نمی‌کند که قانون‌گذار قصد برقراری حمایت بر مبنای اصالت (حق مؤلف) را داشته است یا بر مبنای سرمایه‌گذاری (مانند حمایت خاص اتحادیه‌ی اروپا)، یا ترکیبی از هر دو. به همین دلیل، هرچند می‌توان ادعا کرد که چارچوب‌های موجود ظرفیت ایجاد چنین حمایتی را دارند، اما نمی‌توان گفت که نظام حقوق ایران هم‌سنگ مدل اروپایی یا حتی نزدیک به آن است.

۳. نظام خاص حمایت از پایگاه داده

در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله اتحادیه اروپا، علاوه بر حمایت‌های مبتنی بر حق مؤلف، سازوکار مستقلی برای حمایت از پایگاه‌های داده پیش‌بینی شده است.

۳/۱. مبانی، ضرورت و پیشینه نظام خاص

طبق رهنمود ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا، حتی اگر پایگاه داده به دلیل نبود خلاقیت لازم از حمایت حق مؤلف برخوردار نشود، تهیه‌کننده‌ی آن در صورتی که برای گردآوری، اعتبارسنجی یا سامان‌دهی داده‌ها سرمایه‌گذاری قابل توجهی انجام داده باشد، از یک حق ویژه بهره‌مند می‌گردد. کشورهای عضو نیز ملزم شده‌اند قوانین داخلی خود را با این رهنمود هماهنگ کنند و اکنون اغلب دولت‌ها این نظام را در حقوق ملی خود اجرا کرده‌اند (Gervais, 2007: 1120-1126; Drexel et al., 2021: 7). البته اندیشه‌ی حمایت خاص پیش از

اروپا در ژاپن و کشورهای اسکاندیناوی مطرح شده بود و ریشه‌ی آن به «قاعده‌ی کاتالوگ»^۱ بازمی‌گردد؛ قاعده‌ای که به سازنده‌ی جدول‌ها و فهرست‌های حجیم اجازه می‌داد از نسخه‌برداری غیرمجاز آثار خود جلوگیری کند (Sanks, 1998: 171). با وجود این پیشینه، نخستین بار در اتحادیه‌ی اروپا بود که این حمایت با ساختار دقیق و کارآمد به صورت منسجم قانون‌گذاری شد. البته در نظام حقوقی اتحادیه‌ی اروپا، خود مدل حمایت مبتنی بر سرمایه‌گذاری پیشینه‌ای طولانی دارد؛ به‌ویژه در حوزه‌ی حقوق مرتبط. نخست، دستورالعمل سال ۱۹۹۳ در مورد پخش رادیو و تلویزیون برای پخش‌کنندگان رادیو و تلویزیون حق انحصاری در بازپخش و توزیع برنامه‌ها ایجاد کرد تا سرمایه‌گذاری‌های مالی و فنی آنها در تولید محتوا محفوظ بماند.^۲ سپس، دستورالعمل سال ۲۰۰۶ حمایت مشابهی را برای تولیدکنندگان فونوگرام مقرر ساخت؛ به‌گونه‌ای که تکثیر و توزیع آثار ضبط‌شده تنها با اجازه‌ی صاحب حق مجاز باشد.^۳ در ادامه، دستورالعمل سال ۲۰۱۹، با تعمیم این رویکرد، حمایت مبتنی بر سرمایه‌گذاری را به ناشران مطبوعات گسترش داد و حق تکثیر و بهره‌برداری از آثار خبری منتشرشده را به مدت محدودی برای جبران هزینه‌های تولید محفوظ داشت (Eechoud, 2017: 33) (شاکری، ۱۴۰۱: ۲۷۸).^۴ این مسیر نشان می‌دهد که مفهوم حمایت مبتنی بر سرمایه‌گذاری، ابتدا در حقوق مرتبط شکل گرفته و سپس به زمینه‌های جدید، از جمله حمایت از پایگاه‌های داده و آثار دیجیتال، توسعه یافته است.

نکته‌ی اساسی در نظام خاص حمایتی آن است که سرمایه‌گذاری نقشی در احراز اصالت ندارد؛ بنابراین حتی یک پایگاه داده‌ی بسیار پرهزینه، اگر فاقد انتخاب یا چینش

^۱ Catalogue rule

^۲ Directive 93/83/EEC on the coordination of certain rules concerning copyright and rights related to copyright applicable to satellite broadcasting and cable retransmission.

^۳ Directive 2006/115/EC on rental right and lending right and on certain rights related to copyright in the field of intellectual property.

^۴ Directive 2019/790/EU on copyright and related rights in the Digital Single Market, Article 15.

خلاقانه باشد، نمی‌تواند از حمایت حق مؤلف بهره‌مند شود؛ اما ذیل نظام خاص حمایتی قرار می‌گیرد. همین تمایز میان اصالت و سرمایه‌گذاری سبب می‌شود دو نظام حمایتی حق مؤلف و حق خاص موضوعات متفاوتی را پوشش دهند و در مواردی امکان جمع آن‌ها وجود داشته باشد. به تعبیر دیگر، اگر پایگاه داده‌ای از یک سو واجد اصالت در گزینش یا تنظیم باشد و از سوی دیگر بر پایه‌ی سرمایه‌گذاری چشم‌گیر شکل گرفته باشد، می‌تواند هم‌زمان از هر دو نوع حمایت استفاده کند. اما غالب پایگاه‌های داده که صرفاً مجموعه‌ای از داده‌های خام هستند، تنها در قلمرو نظام خاص حمایتی قرار می‌گیرند و نه در دسته‌ی آثار مشمول حق مؤلف.

۳/۲. شرط سرمایه‌گذاری قابل توجه

مطابق بند ۱ ماده ۷ رهنمود اتحادیه اروپا، هرگاه در تحصیل، تأیید یا ارائه محتوای یک پایگاه داده سرمایه‌گذاری قابل توجهی صورت گرفته باشد، پایگاه مزبور می‌تواند از حمایت نظام خاص برخوردار شود. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در آرای مهم خود، تأکید کرد که هزینه‌های صرف‌شده برای ایجاد داده‌های جدید مشمول حمایت ماده ۷ نیست، بلکه تنها سرمایه‌گذاری انجام‌شده برای گردآوری، تأیید و سازمان‌دهی داده‌های موجود می‌تواند مبنای برخورداری از حق خاص باشد. در حقوق ایران نیز رویکردی مشابه در مواد ۳۰ الی ۳۲ پیش‌نویس لایحه حمایت از سازندگان پایگاه‌های داده مصوب ۱۳۸۰ مشاهده می‌شود که حمایت از پایگاه داده را به وجود سرمایه‌گذاری قابل توجه در تهیه و سازمان‌دهی اطلاعات وابسته می‌داند.

تحقق حمایت خاص منوط به اثبات سرمایه‌گذاری قابل توجه در فرآیند تهیه یا سازمان‌دهی داده‌ها است. این سرمایه‌گذاری می‌تواند مالی، زمانی، انسانی یا فنی باشد؛ از جمله هزینه‌های مربوط به گردآوری داده‌ها، راستی‌آزمایی صحت آن‌ها و طراحی ساختار قابل استفاده برای کاربران. اساس این حمایت نه به دلیل خلاقیت، بلکه به دلیل تلاش،

منابع و سازوکاری است که تهیه‌کننده برای ایجاد و تثبیت پایگاه داده صرف کرده است. برای برخورداری از این حمایت، پایگاه داده باید ساختاری مشخص داشته باشد که امکان بازیابی مستقل هر داده را فراهم کند، خواه این ساختار مبتنی بر فناوری‌های الکترونیکی و نوری باشد یا بر روش‌های سنتی مانند نمایه‌سازی، فهرست‌نگاری و طبقه‌بندی محتوایی. این حمایت محدود به پایگاه‌های الکترونیکی نیست؛ نسخه‌های غیرالکترونیکی نیز، در صورت احراز شرایط، مشمول آن خواهند بود. همچنین تفاوتی میان پایگاه‌های ایستا و پویا وجود ندارد و پایگاه‌هایی که پیوسته به‌روزرسانی می‌شوند نیز می‌توانند از این حمایت بهره‌مند شوند؛ مشروط بر آن که تهیه‌کننده بتواند سرمایه‌گذاری قابل توجه را اثبات کند.^۱

رویه قضایی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در تفسیر مفهوم سرمایه‌گذاری قابل توجه به تدریج تکامل یافته و حدود واقعی این نظام حمایتی را روشن کرده است. نخستین تبیین بنیادین این مفهوم در پرونده بریتیش هورس‌ریسینگ^۲ صورت گرفت. در این پرونده، نهاد برگزارکننده مسابقات اسب‌دوانی بریتانیا مدعی بود که پایگاه داده حاوی اطلاعات مسابقات، اسب‌ها، مالکان و زمان‌بندی رقابت‌ها نتیجه سرمایه‌گذاری گسترده در تحصیل داده‌ها است. با این حال، دیوان میان هزینه‌های صرف‌شده برای ایجاد داده‌ها، مانند سازمان‌دهی مسابقات و تولید اطلاعات مربوط به آن‌ها، و هزینه‌های صرف‌شده برای گردآوری داده‌های موجود تفکیک قائل شد و اعلام کرد که تنها دسته دوم در قلمرو ماده ۷ قرار می‌گیرد. این تفسیر مضیق موجب شد بسیاری از اشخاصی که هزینه اصلی آن‌ها

^۱ برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Davison, M. (2020), Databases and copyright protection, in T. Aplin (ed.), Research Handbook on Intellectual Property and Digital Technologies (Cheltenham: Edward Elgar).

Minero, G. (2012), Did the Database Directive actually Harmonise the Database Copyright? Football Dataco Ltd. v. Britten Pools Ltd. and the ECJ's Rules against Subsistence of Database Copyright in Fixtures Lists, European Intellectual Property Review, pp 729-732.

^۲ British Horseracing Board Ltd v. William Hill Organization Ltd (Case C-203/02, 2004)

صرف تولید اطلاعات می‌شود، از حمایت نظام خاص محروم بمانند (Canellopoulou-Bottis et al., 2019: 386).

همین رویکرد در پرونده‌های فیکسچرز مارکتینگ^۱ نیز دنبال شد. در این دعاوی، این شرکت مدعی بود که برنامه زمان‌بندی مسابقات لیگ فوتبال حرفه‌ای انگلستان مشمول حمایت نظام خاص است. با این حال، دیوان اعلام کرد که هزینه‌های صرف‌شده برای برگزاری مسابقات و ایجاد اطلاعات مربوط به آن‌ها با هزینه‌های مربوط به گردآوری و سازمان‌دهی اطلاعات تفاوت دارد و تنها دسته اخیر می‌تواند مبنای حمایت قرار گیرد. بدین ترتیب، در هر دو دسته پرونده، اشخاصی که بیشترین هزینه را برای تولید محتوا متحمل شده بودند، به دلیل آنکه سرمایه‌گذاری آنان عمدتاً در ایجاد داده‌ها صورت گرفته بود، از حمایت ماده ۷ بهره‌مند نشدند.

تحول مهم بعدی در پرونده ریان‌ایر^۲ رقم خورد که رأی آن در سال ۲۰۱۵ صادر شد و آثار آن در رویه‌های بعدی نیز ادامه یافت. موضوع پرونده به استفاده از اطلاعات موجود در وبسایت شرکت هواپیمایی مربوط می‌شد. دیوان در این رأی تصریح کرد که حدود حمایت مقرر در رهنمود پایگاه داده‌ها از طریق شروط قراردادی قابل توسعه نیست و صاحبان پایگاه داده نمی‌توانند از طریق شرایط استفاده از وبسایت، حقوقی فراتر از آنچه قانون مقرر کرده برای خود ایجاد کنند. به بیان دیگر، رهنمود سطح نهایی و حداکثری حمایت را تعیین می‌کند و قراردادهای نمی‌توانند دامنه این حمایت را گسترش دهند.

در مقابل، رویه قضایی انگلستان پیش از برگزیت رویکردی انعطاف‌پذیرتر نسبت به احراز شرط سرمایه‌گذاری اتخاذ کرد. یکی از نمونه‌های مهم رویه‌ی قضایی در مورد نظام خاص حمایتی، رأی دادگاه عالی انگلستان و ولز در پرونده‌ی بریتیش اسکای^۳ مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱ است. در این پرونده، دادگاه پذیرفت که شرکت اسکای نسبت به سه پایگاه داده

¹ Fixtures Marketing Ltd v. OPAP 2004/ Fixtures Marketing Ltd v. Svenska Spel AB 2004/ Fixtures Marketing Ltd v. Organismos Prognostikon Agnon Podosfairou 2004.

² Ryanair Ltd v. PR Aviation BV (Case C-30/14).

³ British Sky Broadcasting v Digital Satellite Warranty Cover Limited [2011] EWHC 2663 (Ch).

اصلی خود، شامل پایگاه مرکزی Chordiant و نیز پایگاه‌های FMS و IFS که تا پایان سال ۲۰۰۹ حدود ۹/۷ میلیون رکورد مشتری را دربرداشتند، دارای حق انحصاری است. اطلاعات ثبت‌شده شامل نام، نشانی، شماره‌ی تماس، نشانی ایمیل، اطلاعات تجهیزات و تاریخ نصب بود. شواهد ارائه‌شده نشان می‌داد که اسکای بیش از ۲۵۰ میلیون پوند صرف توسعه پایگاه Chordiant کرده و سالیانه بیش از ۳۰۰ میلیون پوند نیز برای گردآوری و راستی‌آزمایی داده‌های مشتریان هزینه می‌کند. بخش عمده‌ی این هزینه‌ها به مراکز تماس و همچنین نگهداری زیرساخت‌های فنی پایگاه اختصاص می‌یابد. در مقابل، طرف دعوا مدعی بود که اسکای با وارد کردن اطلاعات مشتریان، داده‌ای جدید خلق نمی‌کند و تنها داده‌های موجود را ثبت می‌کند؛ بنابراین نباید ذیل حمایت خاص قرار گیرد. با این حال، دادگاه استدلال مزبور را مردود دانست و تأکید کرد چنین تفسیری عملاً بسیاری از پایگاه‌های داده را از حمایت خارج می‌کند و با هدف دستورالعمل پایگاه‌های داده اتحادیه اروپا هم‌خوانی ندارد.

همین تحلیل در پرونده دیگری نیز مورد تأیید قرار گرفته است. دادگاه عالی انگلستان و ولز در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که هرچند تلاش و مهارتی که برای گردآوری و شناسایی آدرس‌های موجود در یک پایگاه داده صرف شده، به‌تنهایی برای ایجاد حق کپی‌رایت کافی نیست، اما همین میزان فعالیت می‌تواند نوعی «سرمایه‌گذاری در کسب داده‌ها» به شمار آید و اثبات حق خاص نسبت به پایگاه را تقویت کند.

۳/۳. دارنده حق خاص و شرایط برخورداری

دارنده‌ی پایگاه داده، که در مقررات اتحادیه‌ی اروپا از او با عنوان پدیدآور پایگاه^۲ یاد می‌شود، شخصی است که تصمیم نهایی برای ایجاد پایگاه را اتخاذ کرده و تأمین منابع مالی، فنی و انسانی لازم را بر عهده داشته است. به بیان دیگر، مطابق یادآوری شماره‌ی ۴۱ رهنمود پایگاه‌های داده‌ی اتحادیه اروپا، دارنده‌ی حق خاص همان فرد یا نهادی است

^۱ Forensic Telecommunications Services Ltd v West Yorkshire Police & Anor [2011] EWHC 2892 (Ch).

^۲ Database Author

که ابتکار عمل را در ایجاد پایگاه به دست گرفته و ریسک سرمایه‌گذاری را پذیرفته است. از این رو، افرادی که تنها به عنوان مجری یا پیمانکار عملیات جمع‌آوری داده فعالیت می‌کنند و نقشی در تأمین هزینه‌ها یا پذیرفتن خطرات سرمایه‌گذاری ندارند، در زمره‌ی پدیدآورندگان پایگاه داده محسوب نمی‌شوند. دارنده باید عنداللزوم قادر باشد سرمایه‌گذاری انجام‌شده را اثبات کند؛ برای مثال، از طریق اسناد حسابداری، قراردادهای مرتبط، صورت‌حساب‌های هزینه یا مدارکی که مشارکت نیروهای انسانی و تیم‌های فنی در فرآیند ایجاد و توسعه پایگاه داده را نشان می‌دهد. البته در رهنمود پایگاه‌های داده، سقف یا معیار عددی معینی برای اثبات میزان سرمایه‌گذاری مادی لازم جهت بهره‌مندی از حمایت پیش‌بینی نشده است. به همین دلیل، احراز این شرط به دادگاه‌های ملی سپرده شده است و قاضی ناچار است در هر پرونده با توجه به اوضاع و احوال خاص آن دعوا، میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده را ارزیابی کند. با وجود این، رویه‌ی قضایی اتحادیه‌ی اروپا نشان می‌دهد که گرچه حداقل مشخص و سختگیرانه‌ای برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد، اما سرمایه‌گذاری باید فراتر از هزینه‌های کاملاً ناچیز باشد؛ هرچند آستانه‌ی آن نسبتاً پایین و انعطاف‌پذیر است. نمونه‌ای از این برداشت را می‌توان در رأی دیوان عالی فدرال آلمان مشاهده کرد^۱؛ جایی که این دادگاه، میزان سرمایه‌گذاری حدود چهار هزار یورو را برای شمول حمایت رهنمود کافی دانست. چنین رویکردی حاکی از آن است که مفهوم سرمایه‌گذاری در رهنمود نه با معیارهای سنگین و کلان اقتصادی، بلکه با نگاهی واقع‌گرایانه و کاربردی تفسیر می‌شود و می‌تواند منافع بهره‌برداران کوچک‌تر و مجموعه‌هایی را که با منابع محدود فعالیت می‌کنند نیز، پوشش دهد.

علاوه بر این موارد، بر اساس ماده ۱۱ رهنمود پایگاه‌های داده اتحادیه‌ی اروپا، برخورداری از حق خاص حمایت از پایگاه داده منوط به احراز برخی شرایط درباره‌ی تابعیت و اقامت اشخاص حقیقی و نیز وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی دارنده‌ی پایگاه است. در خصوص اشخاص حقیقی، برخورداری از این حمایت منوط به آن است که فرد تبعه‌ی یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشد یا محل اقامت معمول او در قلمرو اتحادیه قرار گیرد.

^۱ Bundesverfassungsgericht, Zweite Zahnarztmeinung II case, I ZR 196/08.

درباره‌ی اشخاص حقوقی نیز تنها شرکت‌هایی واجد این حمایت شناخته می‌شوند که طبق قوانین یکی از کشورهای عضو تأسیس شده باشند و حداقل یکی از عناصر اساسی ساختار سازمانی آنها، از جمله دفتر ثبت‌شده، مرکز اداره یا محل اصلی فعالیت تجاری، در محدوده‌ی اتحادیه‌ی اروپا قرار داشته باشد.

۳/۴. دامنه حمایت خاص

با دقت در مقرره‌ی مربوط به پایگاه‌های داده، روشن می‌شود که دامنه‌ی حمایت، نه داده‌های منفرد، بلکه نحوه‌ی سازمان‌دهی، ساختار و شکل‌دهی مجموعه داده‌ها را در بر می‌گیرد. در واقع، آنچه مورد حمایت قرار می‌گیرد، شیوه‌ی گردآوری و چینش داده‌ها و مجموعه‌ای است که تهیه‌کننده‌ی پایگاه با صرف هزینه، زمان و منابع انسانی ایجاد کرده است. دیوان دادگستری اتحادیه‌ی اروپا نیز در تفسیر خود از این مقررہ تأکید می‌کند که هدف از حمایت، صیانت از سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط دارنده‌ی پایگاه است؛ بنابراین، حمایت نه بر تک‌تک داده‌ها، بلکه بر کل مجموعه‌ای اعمال می‌شود که حاصل یک فرآیند سازمان‌یافته و هدفمند است. از همین رو، استفاده‌ی دوباره یا استخراج بخش‌هایی از داده‌ها تا جایی که لطمه‌ی جدی و ملموسی به سرمایه‌گذاری انجام‌شده وارد نسازد، غیرمجاز تلقی نمی‌شود. این برداشت کاملاً با اصول بنیادین حق مؤلف هم‌خوان است؛ نظامی که همواره میان ایده و بیان تفکیک قائل می‌شود^۱ و تنها جلوه‌ی بیرونی، قالب و نحوه بیان یک محتوا را مورد حمایت قرار می‌دهد؛ نه مفاهیم خام یا داده‌های اولیه را.

علاوه بر داده‌های خام، در مورد برنامه‌ی رایانه‌ای به‌کاررفته در ایجاد یا اجرای پایگاه داده نیز، طبق بند ۱ ماده ۱ رهنمود اتحادیه‌ی اروپا، به دلیل حمایت جداگانه‌ی نظام حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای، این برنامه نیز از دامنه‌ی حمایت از پایگاه داده خارج است. رویکرد مشابهی در پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از سازندگان پایگاه‌های داده نیز دیده می‌شود. مطابق ماده ۳۰، حمایت از پایگاه داده بر مبنای سرمایه‌گذاری کمی یا کیفی در

^۱ Idea-Expression dichotomy

تحصیل، تطبیق و ارائه محتوا صورت می‌گیرد و ناظر بر جلوگیری از استخراج یا استفاده مجدد از بخش‌های اساسی پایگاه است. همچنین، مواد ۳۱ و ۳۲ این حمایت را مستقل از حق مؤلف دانسته و در عین حال بر حفظ حقوق اشخاص نسبت به داده‌ها و مطالب موجود در پایگاه تأکید می‌کنند.

۳/۵. مدت حمایت خاص

مدت حمایت خاص از پایگاه‌های داده در نظام ویژه‌ی اتحادیه‌ی اروپا پانزده سال تعیین شده است و این مهلت از زمان تکمیل پایگاه آغاز می‌شود. اگر پایگاه پیش از پایان این دوره برای نخستین بار به صورت عمومی منتشر شود، آغاز حمایت به تاریخ انتشار اولیه منتقل می‌گردد؛ زیرا قانون‌گذار میان ایجاد و انتشار تمایز نهاده است و بیش‌ترین دوره‌ی حمایت را از هر نقطه‌ی شروع امکان‌پذیر اعمال می‌کند. اهمیت این مدت زمانی، هنگامی روشن‌تر می‌شود که آن را با دیگر قالب‌های حمایتی مالکیت فکری در اروپا مقایسه کنیم؛ پانزده سال در واقع کوتاه‌ترین دوره‌ی حمایتی در میان دستورالعمل‌های این حوزه است. با این حال، سازوکار پیش‌بینی‌شده در حقوق اتحادیه اجازه می‌دهد که در صورت انجام سرمایه‌گذاری مستقل و معنادار، چه از نظر فنی و چه اقتصادی، حمایت قانونی دوباره برقرار شود. به این ترتیب، اگر پس از پایان دوره‌ی نخست، منابع تازه‌ای برای به‌روزرسانی یا گسترش پایگاه اختصاص یابد، همان پایگاه می‌تواند مشمول دوره‌ی حمایتی جدیدی گردد که آن هم پانزده سال از زمان تحقق سرمایه‌گذاری تازه محاسبه می‌شود. این ساختار، امکان ادامه‌ی بهره‌برداری انحصاری را تنها در صورتی فراهم می‌کند که سرمایه‌گذاری واقعی استمرار داشته باشد و به‌این‌ترتیب پویایی حقوق پایگاه‌های داده در فعالیت‌های تجاری و توسعه‌ی تدریجی آنها تضمین می‌شود (Minero Alejandro, 2021: 742/ Graux, 2024; Jones, 2024: 52). در پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از سازندگان پایگاه‌های داده ایران نیز رویکرد مشابهی اخذ شده بود.

۳/۶. استثنای حقوق کاربران

دارنده‌ی حق خاص پایگاه داده مجموعه‌ای از اختیارات دارد که محور اصلی آن جلوگیری از استخراج و بازاستفاده از محتوای پایگاه است. مطابق زیربند «الف» بند ۲ ماده

۷ رهنمود اروپایی، استخراج عبارت است از انتقال همه یا بخشی قابل اعتنا از داده‌ها، خواه به صورت دائمی و خواه موقت، به هر شیوه و بر هر بستری. در حقوق مالکیت ادبی و هنری این مفهوم عملاً معادل حق تکثیر تلقی می‌شود. تأکید این مقررہ بر انتقال موقت سبب شده است که نسخه‌برداری‌های دیجیتال و گذران نیز مشمول این حق باشند؛ به عنوان نمونه، زمانی که کاربر حجم عمده‌ای از داده‌ها را صرفاً با بارگذاری در رایانه بازخوانی می‌کند، عمل وی می‌تواند مصداق استخراج باشد. به همین ترتیب، زیربند «ب» همان ماده، بازاستفاده را هر نوع در دسترس قرار دادن تمام یا بخش مهمی از داده‌ها برای عموم می‌داند؛ چه از طریق انتشار نسخه‌ها، اجاره، توزیع، اشتراک‌گذاری در بستر اینترنت یا هر شکل دیگری از عرضه عمومی (European IP Helpdesk, n,d). این حق در واقع ترکیبی از حقوق توزیع و حق در دسترس عموم قرار دادن در اسناد بین‌المللی مانند معاهده‌ی کپی‌رایت و وایپو و مقررات موافقت‌نامه‌ی تریپس است. البته استفاده از اطلاعات موجود در پایگاه یا بازآفرینی آن‌ها در قالبی دیگر لزوماً نقض حق محسوب نمی‌شود (صادقی نشاط، ۱۳۸۹: ۱۳۰)، خصوصاً زمانی که هدف استفاده‌ی علمی، آموزشی یا شخصی باشد و ماهیت تجاری وجود نداشته باشد؛ به عبارت دیگر در دایره‌ی استثنائات قرار گیرد.

در ساختار پایگاه‌های داده، فهرست جایگاهی بنیادین دارد. فهرست به‌مثابه ستون فقرات پایگاه عمل می‌کند و هم از نظر سازمان‌دهی محتوا و هم از لحاظ ارزش عملیاتی، عنصر حیاتی به شمار می‌رود. علاوه بر ویژگی‌های کیفی که فهرست را به هسته‌ی چینش تبدیل می‌کند، تدوین آن معمولاً مستلزم سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه و نوعی خلاقیت ساختاری است؛ از همین رو در هر دو نظام حقوق ادبی-هنری و نظام خاص حمایتی، فهرست مورد حمایت قرار می‌گیرد (رجبی، ۱۴۰۲: ۸۷).

برداشت قضایی از این حقوق، به‌ویژه در رویه‌ی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، دامنه‌ی وسیعی پیدا کرده است. در یکی از پرونده‌های مهم^۱، پایگاهی شامل آگهی‌های فروش خودرو که دارای موتور جست‌وجوی پیشرفته بود، هدف استفاده یک ابرجست‌وجوگر^۲ قرار گرفت. این سامانه بدون اجازه، داده‌ها را به‌صورت مستقیم و برخط بازیابی و برای کاربران عرضه می‌کرد. دیوان حتی در شرایطی که تنها لینک‌های منتهی به پایگاه اصلی نمایش داده می‌شد، این رفتار را ناقض نظام خاص حمایتی دانست؛ زیرا این فرایند موجب می‌شد کاربران به‌جای مراجعه مستقیم به پایگاه اصلی، در محیط جست‌وجوگر ثالث باقی بمانند و در نتیجه، پایگاه از منبع درآمدی خود از جمله تبلیغات و بازدیدها محروم شود. چنین استفاده‌ای از منظر دادگاه، قابلیت تضعیف سازوکار تأمین مالی پایگاه و استمرار فعالیت اقتصادی آن را دارد؛ بنابراین سازنده‌ی پایگاه می‌تواند راهکارهای فنی برای محدود کردن دسترسی خودکار ربات‌ها اعمال کند (Minero Alejandro, 2021 : 741; Margoni & Perry, 2023 : 22).

در حوزه‌ی استثنای نظام خاص حمایت از پایگاه داده، حجم و ماهیت استثنای در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکسان نیست. برای مثال، در فرانسه تنها استفاده‌ی شخصی مجاز است، اما در انگلستان دایره‌ی استثنای گسترده‌تر بوده و مواردی مانند مطالعه‌ی فردی یا استفاده برای تحلیل و گزارش را هم در بر می‌گیرد. افزون بر این، تمامی استثنای‌های رهنمود اروپایی، از جمله آموزش یا پژوهش، مشروط به غیرتجاری بودن استفاده می‌باشند. بر اساس بند ۱ ماده ۸، کاربر می‌تواند بخش غیرقابل توجهی از پایگاه داده را استخراج یا بازاستفاده کند؛ مشروط بر اینکه پایگاه در دسترس عموم قرار گرفته باشد. در عین حال، بند ۲ همین ماده، کاربران را از هرگونه اقدامی که برخلاف بهره‌برداری

^۱ ECJ 19 Dec, (2013) ECLI:EU:C:2013:850, Innoweb BV v. Wegener ICT Media BV and Wegener Mediaventions BV.

^۲ Metasearch engine

متعارف و موجب لطمه به منافع مشروع سازنده است، منع می‌کند.^۱ کاربر ممکن است خود طرف قرارداد سازنده باشد، یا شخص ثالثی که داده‌ها را از طریق مجاز دریافت کرده است، یا حتی فردی که برای اهداف منصفانه از پایگاه بهره می‌برد (رجبی، ۱۴۰۲: ۸۸). همچنین در دستورالعمل سال ۲۰۱۹ نیز داده‌کاوی و استخراج داده‌ها در زمره‌ی استثنای حق مولف و حقوق مرتبط (ماده ۳ و ۴ در تحقیقات علمی، ماده ۵ در استفاده‌ی آموزشی، ماده ۶ و ۷ در حفظ میراث فرهنگی) با اهداف علمی و تحقیقاتی مورد اشاره قرار گرفته است (شاکری، ۱۴۰۱: ۲۷۰-۲۷۴).

۳/۷. ارزیابی تطبیقی: وضعیت حقوق ایران در برابر نظام خاص

تحلیل تطبیقی نظام حقوق ایران در برابر نظام خاص اروپایی نشان می‌دهد که شکاف میان دو نظام نه فقط تقنینی، بلکه مفهومی است. در اتحادیه‌ی اروپا، رهنمود ۱۹۹۶ از یک فرض اقتصادی صریح شروع کرد: بازار داده‌ی اروپا نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و بدون حمایت حقوقی، سرمایه‌گذاری منطقی نخواهد بود. ایران هنوز حتی این فرض بنیادین را به رسمیت نشناخته؛ چراکه قانون‌گذار ایرانی هرگز پرسش چرا سرمایه‌گذاری در پایگاه داده نیاز به حمایت مستقل دارد؟ را طرح نکرده است. تا این پرسش طرح نشود، پاسخ

^۱ لازم به ذکر است که آزمون سه‌گام که ریشه آن به بند ۲ ماده ۹ معاهده برن و ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس بازمی‌گردد، شرط می‌کند که هر گونه استثنا بر حقوق انحصاری تنها زمانی معتبر است که اول در محدوده‌ای کاملاً خاص باشد، دوم به شیوه معمول بهره‌برداری از اثر لطمه نزند، و سوم منافع مشروع صاحب حق را به‌طور ناموجه مخدوش نکند. بند ۲ ماده ۸ دستورالعمل پایگاه داده اتحادیه اروپا اگرچه نامی از این آزمون نمی‌برد، اما بخش مهمی از منطق آن، یعنی رعایت بهره‌برداری متعارف و حمایت از منافع مشروع سازنده را بازتاب می‌دهد. تفاوت در این است که دستورالعمل این معیارها را نه به‌صورت یک آزمون ساختارمند سه‌مرحله‌ای، بلکه در قالب محدودیت‌هایی برای رفتار کاربران بیان می‌کند. از این رو، می‌توان گفت که بند ۲ ماده ۸ از فلسفه و روح آزمون سه‌گام پیروی می‌کند، اما خود آزمون را به شکل رسمی و کامل به کار نمی‌گیرد. برای مطالعه بیشتر:

(https://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=12728)

(https://curia.europa.eu/juris/document/document_print.jsf?docid=48762&doclang=EN)
رویه عملی:

قانونگذاری متناسب هم ممکن نیست. البته تلاش‌هایی در پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از سازندگان پایگاه‌های داده صورت پذیرفت که به نتیجه نرسید.

ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی نمونه‌ای از این الگوی آگاهی بدون تصمیم است. قانون‌گذار از وجود پدیده‌ی پایگاه داده آگاه بود، چنان‌که آن را در فهرست آثار محفوظ آورد، اما از پاسخ به این سه پرسش اجتناب کرد: (الف) چه نوع پایگاه داده‌ای حمایت می‌شود؟ (ب) این حمایت بر چه مبنایی است: اصالت یا سرمایه‌گذاری؟ (ج) دامنه و مدت حمایت چیست؟

پیامد عملی این ابهام قابل سنجش است. فرض کنید یک شرکت ایرانی ۵ میلیارد تومان صرف گردآوری و اعتبارسنجی یک پایگاه داده‌ی جامع پزشکی می‌کند. رقیب، پایگاه را کپی می‌کند. در اتحادیه‌ی اروپا، رهنمود ۱۹۹۶ بلافاصله اعمال می‌شود: سرمایه‌گذاری قابل توجه در تحصیل داده، حق خاص ایجاد می‌کند و استخراج غیرمجاز ممنوع است. در ایران، شرکت باید ثابت کند که چنین پایگاه اصیل است، که برای پایگاه‌های داده‌ی وقایع محور عملاً ناممکن است.

درس از این مقایسه برای اصلاح حقوق ایران روشن است: قانون‌گذار ایرانی نباید صرفاً ماده‌ای درباره‌ی پایگاه داده وضع کند؛ باید نظامی دوگانه با منطق اقتصادی روشن طراحی کند. این نظام باید: (الف) در یک ستون، پایگاه‌های دارای اصالت را با معیار حق مؤلف محافظت کند؛ (ب) در ستون دیگر، پایگاه‌های ناشی از سرمایه‌گذاری قابل توجه را با معیار مستقل حمایت کند، مستقل از اینکه اصیل هستند یا نه؛ (ج) حد و مرز هر دورا با استثنای صریح آموزشی، پژوهشی و دولتی تعیین کند. بدون این سه جزء، هر اصلاح تقنینی ناقص خواهد بود.

در مجموع، هرچند قوانین موجود به گونه‌ای چیده شده‌اند که با تفسیر موسّع بتوان پایگاه‌های داده را در برخی نقاط تحت حمایت قرار داد، اما این حمایت نه نظام‌مند و نه شفاف است و عملاً بر مبنای تلفیقی از قوانین قدیمی، قواعد نرم‌افزاری و برخی احکام پراکنده‌ی الکترونیکی شکل می‌گیرد.

علاوه بر این، قانون ایران فاقد مقررات روشن برای مدیریت تعارض منافع میان حقوق انحصاری تولیدکنندگان پایگاه داده و دسترسی مشروع کاربران و نهادهای عمومی است. بر خلاف اتحادیه‌ی اروپا که در قانون داده، همکاری با نهادهای عمومی را ضروری دانسته است و دسترسی به داده‌ها را با توجیه عمومی تضمین می‌کند، در ایران چنین مکانیسمی برای تعادل میان منافع عمومی و حقوق خصوصی پیش‌بینی نشده است. این کاستی‌ها نشان می‌دهد که با وجود حمایت قانونی، چارچوب ایران از نظر شفافیت، پاسخ‌گویی و سازگاری با جریان آزاد داده‌ها محدود و ناقص است.

۴. تحولات نوین: قانون داده ۲۰۲۳ اتحادیه اروپا

تحولات ناشی از قانون داده اتحادیه اروپا، چارچوب سنتی حمایت از پایگاه‌های داده را تا حد زیادی بازتعریف کرده است. بند ۷۱ این مقررہ تصریح می‌کند که دارنده پایگاه داده نمی‌تواند با استناد به حقوق انحصاری خود، همکاری با نهادهای عمومی را در شرایط استثنایی به تأخیر انداخته یا محدود کند. از این رو، حق خاص پایگاه داده دیگر حقی مطلق تلقی نمی‌شود، بلکه باید در پرتو منافع عمومی و الزامات حکمرانی داده اعمال گردد.^۱ علاوه بر این قانون داده ۲۰۲۳ را نمی‌توان جدا از اکوسیستم تقنینی اروپا فهمید. این مقررہ در کنار قانون حاکمیت داده^۲، قانون هوش مصنوعی^۳ و نظام حمایت از پایگاه

^۱ بند ۷۱ قانون داده: دارندگان داده‌ها باید این امکان را داشته باشند که درخواست یک نهاد بخش دولتی، کمیسیون، بانک مرکزی اروپا یا یک نهاد اتحادیه را رد کنند یا بدون تأخیر بی‌مورد و در هر صورت، حداکثر ظرف مدت پنج یا ۳۰ روز کاری، بسته به ماهیت نیاز استثنایی ذکر شده در درخواست، درخواست اصلاح آن را بدهند. دارنده‌ای که درخواست را رد می‌کند یا به دنبال اصلاح آن است، باید توجیه خود را به نهاد بخش دولتی، کمیسیون، بانک مرکزی اروپا یا یک نهاد اتحادیه که درخواست دسترسی به داده‌ها را داده است، ارائه دهد. در مواردی که حقوق انحصاری نسبت به پایگاه داده تحت دستورالعمل EC/۹/۹۶ پارلمان اروپا و شورا در رابطه با مجموعه داده‌های درخواستی اعمال می‌شود، دارندگان داده‌ها باید حقوق خود را به گونه‌ای اعمال کنند که مانع از دسترسی نهاد بخش دولتی، کمیسیون، بانک مرکزی اروپا یا نهاد اتحادیه به داده‌ها یا اشتراک‌گذاری آنها مطابق با این قانون نشود.

^۲ Data Governance Act 2022

^۳ AI Act 2024

داده مقرر در رهنمود سال ۱۹۹۶، بخشی از یک راهبرد جامع داده‌محور را تشکیل می‌دهد. قانون حاکمیت داده، چارچوب نهادی تبادل و اشتراک‌گذاری داده را فراهم می‌کند؛ قانون داده، تعهدات اشتراک‌گذاری داده را بر بازیگران خصوصی تحمیل می‌کند؛ و قانون هوش مصنوعی نیز استفاده از پایگاه‌های داده در آموزش مدل‌های هوش مصنوعی را تنظیم می‌نماید. در این میان، قانون داده با محدود کردن اعمال حق خاص پایگاه داده نسبت به داده‌های صنعتی، از تبدیل حقوق انحصاری به مانعی برای جریان داده جلوگیری می‌کند (Jones, 2024: 48).

ماده ۴۳ قانون داده در همین راستا مقرر می‌دارد که حق خاص موضوع ماده ۷ رهنمود ۱۹۹۶ نسبت به داده‌های مشمول این قانون قابل اعمال نیست. منظور از این داده‌ها، داده‌های صنعتی تولیدشده توسط تجهیزات متصل به اینترنت، مانند حسگرهای صنعتی، خودروهای هوشمند و دستگاه‌های پوشیدنی است که به‌طور خودکار و بدون مداخله مستقیم انسان ایجاد می‌شوند.^۱ استدلال قانون‌گذار اروپایی آن است که چنین داده‌هایی محصول فرعی عملکرد دستگاه‌ها هستند و نه نتیجه سرمایه‌گذاری هدفمند در تحصیل یا اعتبارسنجی اطلاعات؛ بنابراین شرط اساسی رهنمود ۱۹۹۶ مبنی بر وجود سرمایه‌گذاری در گردآوری یا تأیید داده‌ها درباره آن‌ها محقق نمی‌شود.

این تمایز آثار عملی مهمی دارد. صرف نصب یک حسگر و تولید خودکار داده، به معنای سرمایه‌گذاری در تحصیل داده نیست و حق خاص ایجاد نمی‌کند؛ اما اگر همان داده‌های خام از طریق فرایندهایی مانند پاک‌سازی، اعتبارسنجی، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی در

^۱ در قانون داده اتحادیه اروپا (EU Data Act)، اصطلاح دستگاه‌های متصل (یا به طور کلی، فناوری اینترنت اشیاء) به طیفی از تجهیزات فیزیکی اشاره دارد که از طریق حسگرها، نرم‌افزار درونی و اتصال اینترنتی قادر به تولید، ذخیره‌سازی و انتقال داده در زمان واقعی هستند. این عنوان هم ابزارهای مصرفی مانند ساعت‌های هوشمند، خودروهای متصل و ترموستات‌های هوشمند خانگی را دربر می‌گیرد و هم تجهیزات صنعتی نظیر ماشین‌آلات هوشمند کارخانه‌ای، ربات‌های صنعتی یا سامانه‌های پایش از راه دور. معیار تمایز این دستگاه‌ها، قابلیت آن‌ها در ایجاد داده عملیاتی طی استفاده عادی از محصول است، نه صرفاً امکان اتصال عمومی به اینترنت.

قالب یک پایگاه داده قابل جست‌وجو سامان یابند، سرمایه‌گذاری انجام‌شده در ارائه داده‌ها می‌تواند مشمول حمایت شود. بنابراین، ماده ۴۳ حمایت از داده‌های خام خودکار را کنار می‌گذارد، اما حمایت از پایگاه داده سازمان‌یافته مبتنی بر آن داده‌ها را منتفی نمی‌کند.

این رویکرد در بند ۱۱۲ قانون داده نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق این بند، داده‌هایی که به‌طور خودکار توسط دستگاه‌های متصل و خدمات مرتبط تولید می‌شوند، اصولاً نباید مبنای ایجاد حق خاص برای دارندگان پایگاه داده قرار گیرند. دلیل این امر آن است که اعطای انحصار بر چنین داده‌هایی می‌تواند جریان آزاد داده را محدود کرده و دسترسی کاربران و سایر بازیگران اقتصادی را با مانع مواجه سازد. از این رو، حمایت نظام خاص تنها زمانی توجیه دارد که فعالیت انسانی و سرمایه‌گذاری واقعی در گردآوری، اعتبارسنجی یا سازمان‌دهی داده‌ها نقش اساسی ایفا کرده باشد.

همین منطق درباره هوش مصنوعی نیز قابل مشاهده است. از آنجا که حمایت از پایگاه داده، چه در قالب حق مؤلف و چه در قالب نظام خاص مبتنی بر سرمایه‌گذاری، بر وجود خلاقیت یا سرمایه‌گذاری انسانی استوار است، هوش مصنوعی به دلیل فقدان شخصیت حقوقی، اراده و خلاقیت انسانی نمی‌تواند مؤلف یا سرمایه‌گذار محسوب شود. در نتیجه، پایگاه داده‌ای که صرفاً توسط سامانه‌های هوش مصنوعی گردآوری و سازمان‌دهی شده باشد، از حمایت قانونی مستقیم برخوردار نخواهد بود (شاکری، ۱۴۰۴: ۴۹).

(McLaughlin, 2018: 17-32)

در پاسخ به این پرسش که آیا قانون داده ۲۰۲۳ حق انحصاری ناشی از سرمایه‌گذاری موضوع ماده ۷ رهنمود ۱۹۹۶ را از میان برده است، باید گفت که این قانون رهنمود ۱۹۹۶ را نسخ نمی‌کند، بلکه صرفاً دامنه اعمال آن را محدود می‌سازد. ماده ۴۳ به‌صراحت اعلام می‌کند که حق خاص نسبت به داده‌های صنعتی تولیدشده در قلمرو این قانون قابل اعمال نیست. این رویکرد بر این فرض استوار است که حذف حق انحصاری لطمه‌ای به انگیزه سرمایه‌گذاری وارد نمی‌کند؛ زیرا قانون از طریق سازوکارهای قراردادی و الزامات اشتراک‌گذاری داده، نظام جایگزینی برای بهره‌برداری اقتصادی از داده‌ها فراهم کرده

است. در نتیجه، پدیدآور پایگاه داده نمی‌تواند نسبت به داده‌های تولیدشده توسط دستگاه‌های متصل ادعای انحصار کند یا دسترسی مشروع کاربران و اشخاص ثالث را محدود سازد. این سیاست از شکل‌گیری انحصارهای ناموجه بر داده‌های صنعتی جلوگیری کرده و امنیت حقوقی لازم برای توسعه اقتصاد داده‌محور اروپا را فراهم می‌آورد.

۵. تحلیل انتقادی: موافقان و مخالفان نظام خاص حمایتی

در نخستین سال‌های بحث درباره‌ی نظام خاص حمایت از پایگاه‌های داده، منتقدان ابراز نگرانی می‌کردند که چنین نهادی می‌تواند به ایجاد تمرکز اطلاعاتی و محدود شدن جریان آزاد داده‌ها بینجامد. به‌ویژه این بیم وجود داشت که اعطای یک حق مستقل بتواند دسترسی سایر بازیگران به داده‌های ضروری را دشوار کرده و در نهایت، رقابت در بازارهای داده‌محور را کاهش دهد. با این حال، بخش مهمی از این دغدغه‌ها در عمل با رویکرد محتاطانه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا کنترل شده است. این دیوان، با تفسیری مضیق از شرط سرمایه‌گذاری اساسی و محدود کردن دامنه‌ی شمول این حق، اجازه نداده است که حمایت مزبور به ابزاری برای ایجاد انحصار گسترده تبدیل شود (Minero Alejandro, 2021: 740). به این ترتیب، نظام اتحادیه‌ی اروپا تلاش کرده است تعادلی میان حمایت از سرمایه‌گذاری و جلوگیری از انسداد جریان اطلاعات برقرار کند.

در نظام حقوقی ایالات متحده اما مسیر متفاوتی طی شده است. با وجود ارائه‌ی چندین لایحه به کنگره، هیچ‌یک برای ایجاد حمایت مستقل از پایگاه‌های داده تصویب نشده است. مخالفان، از جمله دانشگاهیان و شرکت‌های اینترنتی، بر این باور می‌باشند که حقوق مؤلف برای حمایت از چنین پایگاه‌هایی کفایت می‌کند و نیازی به ایجاد حق ویژه‌ی دیگری نیست. در مقابل، تولیدکنندگان پایگاه‌های داده استدلال می‌کنند که حمایت موجود ناکافی است و بدون سازوکار حمایتی جدید، انگیزه‌ی لازم برای تداوم تولید پایگاه‌های گسترده و به‌روز شکل نخواهد گرفت (Band & Gowdy, 1997). بنابراین اختلاف اصلی نه درباره‌ی ضرورت حمایت، بلکه درباره‌ی نوع حمایت است.

استدلال‌های موافقان نظام خاص حمایتی جدید عمدتاً بر نقش حیاتی پایگاه‌های داده برای اقتصاد و پژوهش علمی تأکید دارد. این پایگاه‌ها معمولاً اطلاعاتی را در اختیار کاربران قرار می‌دهند که به‌سادگی از منابع دیگر قابل دسترسی یا تجمیع نیست و علاوه بر این، به دلیل به‌روزرسانی مستمر و پویایی قابل توجه، از اعتبار بالایی برخوردار می‌باشند. از نگاه آنان، تولید چنین پایگاه‌هایی مستلزم سرمایه‌گذاری مالی، انسانی و زمانی چشمگیر است؛ فرآیندی که بدون وجود یک حمایت مؤثر، توجیه اقتصادی نخواهد داشت (U. S. Copyright Office, 1997: 65).

موافقان همچنین بر آسیب‌پذیری بالای پایگاه‌های داده تأکید می‌کنند: گردآوری اطلاعات پرهزینه است، اما نسخه‌برداری و توزیع آن هزینه‌ای ناچیز دارد. در نتیجه، خطر تخلیه‌ی بازار اصلی و از دست رفتن بازدهی سرمایه‌گذاری جدی است؛ خطری که در محیط دیجیتال و امکان تکثیر با یک کلیک تشدید می‌شود. به باور آنان، در نبود حمایت مؤثر، انگیزه‌ی اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه کاهش یافته و این امر نه‌تنها به تولیدکنندگان زیان می‌رساند، بلکه منافع عمومی ناشی از دسترسی به داده‌های دقیق نیز آسیب می‌بیند (Ibid: 62). از منظر پژوهشی نیز حمایت قوی‌تر می‌تواند به توسعه‌ی علمی کمک کند؛ چرا که بسیاری از تحقیقات وابسته به داده‌هایی هستند که غالباً از سوی بخش خصوصی تولید و به‌روزرسانی می‌شوند.

در سوی دیگر، مخالفان با این استدلال‌ها موافق نیستند. آنان معتقدند حمایت‌های موجود کفایت می‌کند و نظام حقوق مؤلف با حمایت از گزینش و ترتیب داده‌ها، در عمل مانع کپی‌برداری غیرمجاز می‌شود (صادقی و طهماسبی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). افزون بر این، ابزارهای قراردادی، فنی و مقررات اسرار تجاری نیز عملاً از پایگاه‌های داده محافظت می‌کنند. مخالفان همچنین یادآور می‌شوند که موافقان برای ادعای عدم تولید یا توسعه‌ی پایگاه‌ها بدون حمایت جدید، دلایل قانع‌کننده‌ای که مبتنی بر واقعیت باشند، ارائه نکرده‌اند و چنین ادعاهایی بیشتر بر تحلیل نظری استوار است (Bently & Sherman, 2001: 145; Derclaye, 2008: 4). دغدغه‌ی مهم دیگر مخالفان، پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی ایجاد حمایت جدید است. آنان هشدار می‌دهند که تجاری‌سازی فزاینده‌ی اطلاعات،

به‌ویژه داده‌هایی که با سرمایه‌ی عمومی تولید شده است، می‌تواند دسترسی به اطلاعات را محدود و هزینه‌های آن را افزایش دهد؛ فرآیندی که در نهایت رقابت را کاهش می‌دهد و به زیان عموم خواهد بود. در این میان، بحث تعادل میان انگیزه‌های اقتصادی و جریان آزاد اطلاعات در نظام حق مؤلف اهمیت می‌یابد؛ تعادلی که به زعم مخالفان، با ایجاد حق جدید ممکن است مختل شود.

گروهی از منتقدان نیز از منظر حقوق بشر با اعطای حق ویژه برای پایگاه‌های داده مخالفت می‌کنند. استدلال آنان بر این است که اسناد بین‌المللی، از جمله ماده ۲۷ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۱ و بند (ب) ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲، بر حق همگانی بهره‌مندی از پیشرفت علمی و دسترسی آزاد به دانش تأکید دارند. از نگاه آنان، گسترش حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه بر داده‌هایی که ابتکاری نیستند، با این اصول سازگار نیست و می‌تواند دسترسی به دانش را برای اقشار آسیب‌پذیر محدود کند (صادقی و طهماسبی، ۱۳۸۶: ۱۴۰)؛ (International Bureau of WIPO, 2002: 153-162).

به باور این گروه، روند خصوصی‌سازی و تجاری‌سازی علم موجب شده است دسترسی آزاد و گسترده به اطلاعات، که زمانی با سرمایه‌ی عمومی فراهم می‌شد، کاهش یابد. تولیدکنندگان خصوصی داده‌ها، اطلاعات را تنها در برابر پرداخت هزینه‌های بالا ارائه می‌کنند و این امر جریان آزاد اطلاعات علمی را مختل می‌سازد. به همین دلیل، محافل علمی معتقدند که هر نوع حمایت جدید باید با اصل مبادله‌ی آزاد و کامل اطلاعات علمی سازگار باشد؛ اصلی که دو پیش‌شرط دارد: نخست، دسترسی رایگان یا کم‌هزینه به اطلاعاتی که با بودجه‌ی عمومی تولید می‌شوند؛ دوم، دسترسی منصفانه و معقول به داده‌هایی که توسط بخش خصوصی تولید شده‌اند و برای پژوهش‌های علمی ضروری می‌باشند (صادقی و طهماسبی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

با توجه به تحولات اقتصاد داده‌محور و نیاز به سرمایه‌گذاری مداوم برای تولید و به‌روزرسانی پایگاه‌های داده، به‌نظر می‌رسد رویکرد موافقان، یعنی ایجاد یک حمایت مستقل اما محدود، مضیق و کنترل‌شده، با واقعیت‌های امروز سازگارتر است. مدل

^۱ Universal Declaration of Human Rights, 1948

^۲ International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966

اتحادیه‌ی اروپا نیز دقیقاً در همین مسیر حرکت می‌کند: حمایت را به منظور حفظ انگیزه‌ی اقتصادی به رسمیت می‌شناسد، اما با نظارت سخت‌گیرانه‌ی قضایی و شرط سرمایه‌گذاری اساسی مانع انحصار و انسداد جریان داده‌ها می‌شود. این ترکیب حمایت و کنترل، به‌ویژه در فضای نوین مبتنی بر کلان‌داده و هوش مصنوعی، منطقی‌تر و کارآمدتر ارزیابی می‌شود.

۶. ارزیابی تطبیقی حقوق ایران و پیشنهاد‌های تقنینی

از منظر تحلیل انتقادی، حقوق ایران در مواجهه با پدیده پایگاه‌های داده گرفتار نوعی انفعال تقنینی است؛ به معنای اتکا بر تفسیر تسامحی قوانین قدیمی‌تر به جای طراحی چارچوب هدفمند. پیشنهاد راهکار تقنینی به شرح ذیل است: (الف) قانون مستقل حمایت از پایگاه‌های داده با تعریف صریح مطابق بند ۲ ماده ۱ رهنمود اروپایی؛ (ب) نظام دوگانه حمایت اصالتی و سرمایه‌گذاری؛ (ج) مدت حمایت پانزده‌ساله قابل تجدید؛ (د) استثنای جامع آموزشی، پژوهشی و نظارتی؛ و (ه) محدودیت حمایت برای داده‌های تولیدشده توسط سیستم‌های خودکار.

در راستای این کاستی‌ها، مواد قانونی پیشنهادی زیر به عنوان الگوی تقنینی مناسب برای اصلاح حقوق ایران ارائه می‌شود:

ماده ۱، تعریف پایگاه داده

پایگاه داده عبارت است از مجموعه‌ای از داده‌ها، اطلاعات یا محتوا که به‌صورت نظام‌مند یا قابل جست‌وجو سازمان‌دهی شده و دسترسی یا بازیابی الکترونیکی یا غیرآنلاین آن امکان‌پذیر باشد؛ اعم از اینکه داده‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن واجد حمایت قانونی باشند یا نباشند.

ماده ۲، حمایت از پایگاه‌های داده اصیل

هر پایگاه داده‌ای که در انتخاب، چینش یا ترکیب داده‌ها واجد اصالت و خلاقیت باشد، به عنوان اثر ادبی-هنری مورد حمایت قرار می‌گیرد. حقوق مادی و معنوی ناشی از این حمایت تابع مقررات عمومی مربوط به حق مؤلف است.

ماده ۳، نظام خاص حمایتی

در صورتی که پایگاه داده واجد شرایط ماده ۲ نباشد، اما برای گردآوری، بررسی، صحت‌سنجی یا سازمان‌دهی داده‌ها سرمایه‌گذاری مادی، مالی یا انسانی قابل‌توجه انجام

شده باشد، پدیدآورنده یا سرمایه‌گذار از حق انحصاری جلوگیری از استخراج یا بهره‌برداری مکرر و نظام‌مند از تمام یا بخش‌های اساسی پایگاه داده برخوردار است.
تبصره ۱، مدت حمایت

الف) مدت حمایت موضوع ماده ۲ تابع مدت مقرر برای آثار ادبی-هنری است (به مدت ۵۰ سال از تاریخ مرگ پدیدآورنده طبق ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان اصلاحی سال ۱۳۸۹)

ب) مدت حمایت موضوع ماده ۳ پانزده (۱۵) سال از تاریخ تکمیل پایگاه داده است. هرگونه به‌روزرسانی اساسی که متضمن سرمایه‌گذاری قابل توجه جدید باشد، دوره حمایت جدیدی ایجاد می‌کند.

تبصره ۲، استثنای استفاده‌ی مشروع

اعمال زیر مشمول تجاوز به حقوق مقرر در این ماده نیست:

۱. استفاده‌ی علمی، پژوهشی یا آموزشی غیرتجاری که به حقوق مشروع دارنده زیان غیرمعقول وارد نکند؛

۲. استفاده برای مقاصد امنیتی، نظارتی، قضایی یا انجام تکالیف قانونی توسط نهادهای عمومی؛

۳. استخراج بخش‌های غیرقابل توجه پایگاه داده برای مقاصد عادی، مشروع و با رعایت عرف حرفه‌ای؛

۴. استفاده از داده‌ها برای تحلیل‌های هوش مصنوعی، یادگیری ماشین یا تحقیقاتی مشابه، مشروط بر آنکه دسترسی به نحو مجاز حاصل شده باشد.

تبصره ۳، داده‌های غیرمشمول حمایت

۱. داده‌هایی که به‌طور خودکار، بدون دخالت انسانی مستقیم، توسط حسگرها، تجهیزات هوشمند یا سیستم‌های خودکار تولید یا گردآوری می‌شوند، جز با دخالت انسانی در مرحله سازمان‌دهی یا انتخاب، مشمول حمایت این قانون نیستند.

۲. داده‌های خام، واقعیات و اطلاعات عمومی که فاقد سازمان‌دهی اصیل یا فاقد سرمایه‌گذاری قابل توجه باشند، مشمول این حمایت نیستند.

تبصره ۴، دسترسی اجباری به داده‌ها

دارنده‌ی حقوق پایگاه داده نمی‌تواند در موارد زیر به حقوق خاص و انحصاری خود استناد کند و موظف به ارائه‌ی دسترسی می‌باشد:

۱. درخواست مراجع دولتی، نظارتی، قضایی یا نهادهای قانونی صلاحیت‌دار برای انجام وظایف عمومی؛
۲. موارد ضروری برای حفظ امنیت عمومی، سلامت، محیط زیست یا مدیریت بحران؛
۳. مواردی که قانون خاص ارائه‌ی داده را الزامی کرده باشد.

نحوه‌ی دسترسی، هزینه‌ها و حدود استفاده، مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تصویب می‌شود.

تبصره ۵، عدم مخدوش شدن حقوق رقابت

اعمال حقوق ناشی از مواد فوق نباید منجر به ایجاد انحصار مضر برای رقابت یا سوءاستفاده از موقعیت مسلط شود. رعایت مقررات رقابت و منع انحصار بر این قانون مقدم است.

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسئله حمایت از پایگاه‌های داده را نمی‌توان صرفاً در چارچوب سنتی حق مؤلف تحلیل کرد. بررسی تطبیقی حقوق اتحادیه اروپا و ایران آشکار ساخت که ارزش اقتصادی بسیاری از پایگاه‌های داده معاصر نه از خلاقیت در انتخاب یا چینش اطلاعات، بلکه از سرمایه‌گذاری گسترده در گردآوری، اعتبارسنجی، به‌روزرسانی و سازمان‌دهی داده‌ها ناشی می‌شود. از این رو، اتکای انحصاری به معیار اصالت و خلاقیت نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای حمایتی اقتصاد داده‌محور باشد. مهم‌ترین دستاورد نظام اروپایی، تفکیک میان حمایت از جنبه خلاقانه پایگاه داده و حمایت از سرمایه‌گذاری انجام‌شده در آن است؛ تفکیکی که موجب شده دو منفعت متفاوت، یعنی حمایت از آفرینش فکری و حمایت از سرمایه‌گذاری اقتصادی، در قالب دو نظام حقوقی مستقل مورد حمایت قرار گیرند.

بررسی مقررات اتحادیه اروپا همچنین نشان داد که حق خاص پایگاه داده، برخلاف تصور اولیه، یک حق مطلق و نامحدود نیست. روند تحولات تقنینی اروپا، به‌ویژه پس از تصویب قانون داده ۲۰۲۳، حاکی از آن است که حمایت از سرمایه‌گذاری باید با اهدافی همچون گردش آزاد داده، رقابت، نوآوری و منافع عمومی متوازن شود. به همین دلیل، قانون‌گذار اروپایی به تدریج دامنه اعمال حق خاص را نسبت به برخی دسته‌های داده، به‌ویژه داده‌های صنعتی تولیدشده توسط دستگاه‌های متصل، محدود کرده است. این تحول بیانگر آن است که در اقتصاد داده‌محور، هدف قانون صرفاً ایجاد انحصار نیست، بلکه برقراری تعادل میان انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و دسترسی مشروع به داده‌ها است.

از سوی دیگر، پژوهش حاضر نشان داد که حقوق ایران هنوز فاقد چارچوبی منسجم و مستقل برای حمایت از پایگاه‌های داده است. اگرچه مقررات پراکنده‌ای در قوانین مختلف، از جمله قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی، امکان حمایت محدود از برخی پایگاه‌های داده را فراهم می‌کنند، اما این مقررات نه تعریف روشنی از پایگاه داده ارائه می‌کنند و نه میان حمایت مبتنی بر اصالت و حمایت مبتنی بر سرمایه‌گذاری تفکیک قائل می‌شوند. همچنین بررسی پیش‌نویس لایحه حمایت از سازندگان پایگاه‌های داده نشان داد که هرچند این سند گامی مهم در جهت شناسایی

حقوق مرتبط با پایگاه‌های داده محسوب می‌شود، اما عدم تصویب آن موجب تداوم خلأهای تقنینی در این حوزه شده است. مهم‌ترین یافته کاربردی این تحقیق آن است که الگوی مطلوب برای حقوق ایران نه پذیرش صرف نظام حق مؤلف و نه اقتباس کامل از رهنمود ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا، بلکه طراحی یک نظام حمایتی بومی و چندلایه است. چنین نظامی باید از یک سو میان داده، پایگاه داده و سرمایه‌گذاری انجام‌شده در آن تفکیک قائل شود و از سوی دیگر، حمایت از سرمایه‌گذاری را با استثناهای لازم برای اهداف علمی، آموزشی، پژوهشی، نظارتی و منافع عمومی همراه سازد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که داده‌های تولیدشده صرفاً به وسیله سامانه‌های خودکار و بدون نقش مؤثر انسانی، به دلیل فقدان عنصر خلاقیت یا سرمایه‌گذاری انسانی در گردآوری آن‌ها، نباید به‌طور مطلق مشمول حقوق انحصاری قرار گیرند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. صادقی نشاط، امیر، (۱۳۸۹)، حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزار رایانه ای، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۲. زرکلام، ستار و محوری، محمد حسن، (۱۳۹۴)، حمایت‌های حقوقی از پدیدآورندگان نرم افزار، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۳. زرکلام، ستار، (۱۳۸۴)، حقوق مالکیت ادبی هنری، چاپ نخست، تهران: انتشارات سمت.

پایان‌نامه‌ها

۱. قربان نیا، امیرمحمد، (۱۴۰۳)، «وضعیت حقوقی داده‌های اشخاص در فرض تملک و ادغام شرکت‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.

مقالات

۱. حبیب، سعید و نبوی، مریم، (۱۴۰۳)، حمایت حقوق مالکیت فکری از داده‌های عظیم، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی، (۲)، ۲۴۷-۲۷۷. doi: 10.22034/jrpl.2025.721657.
۲. رجبی، عبدالله، (۱۴۰۲)، مطالعه تطبیقی حمایت حقوق مالکیت فکری از پایگاه داده، حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی، (۱)، ۷۶-۹۷. doi: 10.22091/diplic.2024.10127.1003.
۳. شاکری، زهرا، (۱۴۰۱)، افق‌های نوین حقوق مالکیت فکری در چشم‌انداز دستورالعمل کپی‌رایت و حقوق مرتبط بازار واحد دیجیتال سال ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۵(۹۸)، ۲۶۷-۲۹۴. doi: 10.22034/jlr.2022.228066.2263.
۴. شاکری، زهرا، (۱۴۰۴)، نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری در عصر هوش مصنوعی؛ ملاحظات برای سیاستگذاری در حکمرانی آتی، سیاستگذاری عمومی، (۱)، ۴۱-۵۵. doi: 10.22059/jppolicy.2025.101189.
۵. صادقی، محسن و ملک زاده قلعه، امیر، (۱۴۰۵)، بازاندیشی مبانی مالکیت خصوصی در بستر دارایی‌های دیجیتال، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی، ۳(۵)، ۲۸۰-۳۲۵.
۶. صادقی، محمود و طهماسبی، علی، (۱۳۸۶)، درآمدی بر حمایت از حقوق پدیدآورنده پایگاه داده، حقوق اسلامی، ۴(۱۳)، ۱۳۱-۱۵۲.
۷. عسگری، حسین، (۱۳۹۴)، نظام حقوقی حمایت از پایگاه‌های اطلاعاتی (اصیل یا غیر اصیل بودن پایگاه‌های داده)، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، تهران.
۸. قربان نیا، امیرمحمد و شاکری، زهرا، (۱۴۰۴)، اهمیت و چالش‌های حقوقی مستعارسازی داده‌ها؛ با نگاهی به اصول پردازش داده‌های شخصی، پژوهش‌های حقوق اقتصادی و تجاری، ۳(۲)، ۷۱-۱۰۰. doi: 10.48308/eclr.2025.239058.1143.

References

Books

1. Bently, L. & Sherman, B. (2001), Intellectual Property Law, Oxford University Press.
2. Davison, M. J (2003). The Legal Protection of Databases. Cambridge University Press.
3. Derclaye, E. (2008). The Legal Protection of Databases : A Comparative Analysis. Cheltenham : Edward Elgar Publishing.
4. Elmasri, R., & Navathe, S. B. (2015), Fundamentals of Database Systems, 7th ed, London : Pearson.
5. International Bureau of WIPO, (2002), Intellectual Property and Human Right, WIPO Intellectual Property Handbook, Geneva, WIPO Pub, No 489(E).
6. Sadeghi Neshat, A. (2010), Protection of Computer Software Authors' Rights, Tehran: Mizan Publishing, (In Persian).
7. Zarkalam, S. & Mehvari, M. (2015), Legal Protections for Software Developers. Tehran : SAMT Publishing, (In Persian).
8. Zarkalam, S. (2005), Copyright and Related Rights Law, Tehran : SAMT Publishing, (In Persian).

Master's Thesis

9. Ghorban Nia, A. M. (2024), The Legal Status of Personal Data in Corporate Mergers and Acquisitions, Master's Thesis, University of Tehran, (In Persian).

Articles

10. Asgari, H. (2015), Legal System of Database Protection, First International Congress on Comprehensive Law, Tehran, (In Persian).
11. Canellopoulou-Bottis, Maria & Papadopoulos, Marinos & Zampakolas, Christos & Ganatsiou, Paraskevi, (2019), Text and Data Mining in Directive 2019/790/EU Enhancing Web-Harvesting and Web-Archiving in Libraries and Archives, Open Journal of Philosophy, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3444204>.
12. Connor, Moran, (2011), How Much Is Too Much? Copyright Protection of Short Portions of Text in the United States and European Union after Infopaq International A/S v. Danske Dagblades, Wash. J. L. Tech. & Arts, 6(3), 247-258.
13. Drexl, J. & Hilty, R. M. & Desautnettes-Barbero, L. et al. (2021). Data Ownership and Access to Data : Position Statement of the Max Planck Institute for Innovation and Competition. Max Planck Institute Research Paper No. 21-10.
14. Gervais, D. J. (2007), The Protection of Databases, 82 Chicago-Kent Law Review, Available at : (<https://scholarship.law.vanderbilt.edu/faculty-publications/839>).

15. Ghorbannia, A. M. and Shakeri, Z. (2025), The Importance and Legal Challenges of Data Pseudonymization: Considering the Principles of Personal Data Processing. *Economic and Commercial Law Researches*, 3(2), 71-100, doi: 10.48308/eclr.2025.239058.1143 (In Persian).
16. Habiba, S. & Nabavi, M. (2024), Intellectual Property Protection of Big Data, *Research and Development in Public Law*, 1(2), 247-277, doi: 10.22034/jrpl.2025.721657 (In Persian).
17. Jones, B. (2024). The EU Data Act 2023 and the Sui Generis Database Right: Towards a New Balance? *Computer Law & Security Review*, 53, 39-58.
18. Margoni, T. & Perry, M. (2023). Database Protection in Europe: Quo Vadis? *International Review of Intellectual Property and Competition Law (IIC)*, 54(1), 2-35.
19. McLaughlin, M. (2018). Computer-Generated Inventions. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=3097822>. pp. 1-32.
20. Minero Alejandro, G. (2021), Ownership of Databases: Personal Data Protection and Intellectual Property Rights on Databases, *European Review of Private Law*, 5, pp 733-756.
21. Rajabi, A. (2023), Comparative Study on IP Protection of Databases, *IP Law of Islamic Countries*, 1(1), 76-97, doi: 10.22091/diplic.2024.10127.1003 (In Persian).
22. Sadeghi, M. & Tahmasbi, A. (2007), An Introduction to the Protection of Database Creators' Rights, *Islamic Law Journal*, 13(4), 131-152, (In Persian).
23. Sadeghi, M & Malekzadeh Qaleh, A. (2026), Foundations of Property Rights in the Digital Age. *Research and development in private law*, 3(5), 280-325. doi: 10.22034/jpl.2025.2070457.1237 (In Persian).
24. Sanks, T. M. (1998), Database Protection: National and International Attempts to Provide Legal Protection for Databases, *Fla. St. U. L. Rev.*, 25(4), Available at: (<https://ir.law.fsu.edu/lr/vol25/iss4/6>).
25. Shakeri, Z. (2022), New horizons of intellectual property rights in the perspective of Directive (EU) 2019/790 on copyright and related rights in the Digital Single Market, *Legal Research Quarterly*, 25(98), 267-294, doi: 10.22034/jlr.2022.228066.2263 (In Persian).
26. Shakeri, Z. (2025), The Literary and Artistic Property Law System in the Age of Artificial Intelligence; Considerations for Policymaking in Future Governance, *Iranian Journal of Public Policy*, 11(1), 41-55, doi: 10.22059/jppolicy.2025.101189 (In Persian).
27. Synodinou, Tatiana. (2023), Legal Protection of Databases: Analysis of the ECJ judgements of 9th November 2004, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4636483>.

Electronic Sources

28. Band, J. & Gowdy, S. (1997), Sui Generis Database Protection, Available at: <https://www.dlib.org/dlib/june97/06band.html>, (Last Visited on 2025/11/16).
29. Eechoud, Mireille M.M. van (2017), A publisher's intellectual property right. Implications for freedom of expression, authors and open content policies, pp.1-68, Available at:

(https://www.openforumeurope.org/wpcontent/uploads/2017/01/OFE-Academic-Paper-Implications-ofpublishers-right_FINAL.pdf) (Last Visited on 2025/07/12).

30. European IP Helpdesk, (n.d), Available at: https://intellectual-property-helpdesk.ec.europa.eu/regional-helpdesks/european-ip-helpdesk/europe-frequently-asked-questions_en#Database_Protection_Domain_Protection, (Last Visited on 2025/07/12).
31. Europe, Database protection, (n.d), Available at: https://europa.eu/youreurope/business/running-business/intellectual-property/database-protection/index_en.htm, (Last Visited on 2025/07/10).
32. Graux, H. (2024), What is data ownership, and does it still matter under EU data law? Available at: <https://data.europa.eu/sites/default/files/report/What%20is%20data%20ownership%2C%20and%20does%20it%20still%20matter%20under%20EU%20data%20law.pdf>, (Last Visited on 2025/07/12).
33. U. S. Copyright Office Report on Legal Protection for Database, (1997), Available at: <https://www.copyright.gov/reports/db4.pdf>, (Last Visited on 2025/11/16).
34. US Patent and Trademark Office, Patent and Trademark Office Report on Recommendations from the April 1998 Conference on Database Protection and Access Issues, (1998), Available at: <https://www.uspto.gov/learning-and-resources/ip-policy/database-protection-and-access-issues-recommendations>, (Last Visited on 2025/11/16).

Regulations

35. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works, 1886.
36. Universal Declaration of Human Rights, 1948.
37. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.
38. Directive 93/83/EEC on the coordination of certain rules concerning copyright and rights related to copyright applicable to satellite broadcasting and cable retransmission.
39. World Trade Organization, (1994), Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).
40. European Parliament and Council of the European Union. (1996). Directive 96/9/EC of the European Parliament and of the Council of 11 March 1996 on the legal protection of databases. Official Journal of the European Union, L77.
41. Directive 2006/115/EC on rental right and lending right and on certain rights related to copyright in the field of intellectual property.
42. Directive 2019/790/EU on copyright and related rights in the Digital Single Market.

Cases

43. British Horseracing Board Ltd v. William Hill Organization Ltd (Case C-203/02, 2004)
44. British Sky Broadcasting v Digital Satellite Warranty Cover Limited [2011] EWHC 2663 (Ch).

45. Bundesverfassungsgericht, Zweite Zahnarztmeinung II case, I ZR 196/08.
46. ECJ 19 Dec, (2013) ECLI:EU:C:2013:850, Innoweb BV v. Wegener ICT Media BV and Wegener Mediaventions BV
47. Feist Publications, Inc. v. Rural Telephone Service Co., Inc., 499 U.S. 340.
48. Fixtures Marketing Ltd 2004 cases.
49. Forensic Telecommunications Services Ltd v West Yorkshire Police & Anor [2011] EWHC 2892 (Ch).
50. Infopaq International A/S v. Danske Dagblades Forening 2009.
51. Ryanair Ltd v. PR Aviation BV (Case C-30/14)